

بیش به سوی اتحاد سراسری شوراهای زحمتکشان!
 برای تشکیل مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی!
 زنده باد حکومت کارگران و دهقانان!

چهار باید کرد آزاد باید کرد!

دوره دوم قیمت ۲۰ ریال صدای حزب کارگران سوسیالیست
 شماره ۴۴ شنبه ۱۳۵۹/۵/۱۸

حملات ارتجاع به حقوق کارگران

- تضعیف و انحلال شوراهای کارگری ص ۱۱
- قطع سود ویژه ص ۱۰
- اخراج کارگران ص ۱۰



- کودتا، ارتش و شوراهای سربازی ص ۷
- جهاد جاسوسی در کردستان ص ۱۲
- اعدام تقی شهرام ص ۸

حمله به شورای نفتگران
 حمله به
 شریان حیاتی انقلاب

مجلس شورای اسلامی یا مجلس مؤسسان؟

- پیرامون انتخاب نخست وزیر ص ۱۶
- ارتجاع و اشناسیم ص ۱۳

برنامه عمل زحمتکشان:
 آزادی ملیتهای ستمدیده ص ۱۵

● چرا روحانیون به سوسیالیست ها حمله می کنند؟ ص ۵

ارتش و پاسداران را از کردستان خارج کنید!

مجلس شورای اسلامی یا مجلس موسسان؟

هنگامیکه قانون اساسی مجلس خبرگان نوشته شد، مارکسیست‌های انقلابی قاطعانه اعلام کردند که این قانون اساسی ضد انقلابی است. زیرا که حق حاکمیت مردم را زیر پا گذاشته و ابتدا این تئین حقوق دمکراتیک را از آنان گرفته است.

اصل ولایت فقیه اساسی ترین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی است. مطابق این اصل حق حاکمیت سیاسی از مردم ایران سلب شده است. مطابق این قانون اساسی نمایندگان مردم حق تعیین گوی در این کشور را ندارند. بلکه این شورای نگهبان و ولی فقیه امر هستند که برای مردم تصمیم می‌گیرند. قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گوید که قوانین مجلس شورای ملی را باید شورای نگهبان تصویب کند. و شورای نگهبان که مرکب از دوازده نفر است، منتخب مردم نیستند بلکه به این سمت منصوب شده‌اند. اگر شورای نگهبان با ولی فقیه امر موافقت مجلس را تأیید نکند، آن موافقت، قانونی نبوده و بی اعتبار هستند. بنابراین در رژیم جمهوری اسلامی نمایندگان مجلس صلاحیت قانونگذاری ندارند بلکه ولی فقیه امر بجای مجلس، قانونگذاری می‌نماید. یعنی یک فرد سرنوشت توده، سوردیوا در دست می‌گیرد. بدین ترتیب مجلس در رژیم جمهوری اسلامی حکم تاناکس (نایندگان) باید به دستور فرمان کارگران برای مردم نمایش اجرا کرده و آنها را سرکوب کنند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ یک از خواست‌های کارگران، دهقانان، ملیت‌های ستمدیده، زنان و زحمتکشان را در بر ندارد. این قانون اساسی استعمار سربازداری و مالکیت خصوصی سربازداری را که سبب بدبختی و فقر توده‌هاست به رسمیت می‌شناسد. هیات حاکم برای اینکه چنین قانون اساسی ضد انقلابی را بر توده‌ها تحمیل کند، مجلسی را

به اصطلاح خبره‌ها تشکیل داد و به کارگران و زحمتکشان اجازه نداد تا نمایندگان خود را به این مجلسی بفرستند. با هزاران تیرنگ و تظلم و ترویر انتخابات را محدود کردند تا نمایندگان واقعی مردم انتخاب نشوند. زیرا برای تصویب این قانون اساسی ارتجاعی می‌باید حق صحبت و مدخله از کارگران و زحمتکشان ایران گرفته می‌شد.

چنانکه تا کنون شاهد بودیم هیات حاکم با توسل به سرکوب، اختناق و کشتار خواستگاران، نمایندگان خود را اجرا کند. گلوله و سرنیزه سواران و راکت و خمپاره‌های ارتش علیه زحمتکشان و خلق‌های ستمدیده بکار گرفته شده‌اند تا اصول این قانون اساسی ضد انقلابی و مخصوصاً اصل ولایت فقیه به مردم ایران تحمیل شود. تشکیل مجلس شورای اسلامی قدم دیگری بود در اجرای این طرح ضد انقلابی. انتخابات تقلبی همراه با دستگیری و بگردن نمایندگان زحمتکشان و حذف آشکار آنان هنگامیکه تعداد آنها از چندان زیاد بود که دیگر انقلاب کاری از پیش نمی‌برد. در مرحله‌ای گردن‌انگاری با محدود کردن تعداد نمایندگان که امکان تقلب و راه یافتن نمایندگان دست‌چین شده را مسلم کند و ... از جمله شرک‌های ضد انقلابی هیات حاکم بودند.

هنوز مدت زیادی از عمر این مجلس نمی‌گذرد. کارنامه همین سرگناهش نشان می‌دهد که نه تنها قادر نیست مشکلی از مشکلات جامعه را حل کند بلکه خود مشکلی شده است اضافه بر مشکلات دیگر جامعه. نه تنها دردی از دردهای زحمتکشان را در نمی‌کند، بلکه با صدور قطعنامه‌هایی که محتوی همه آنها حمله مستورد های انقلاب زحمتکشان است. سرنیزه، سواران اسلام، راه‌پیمایان پرگوشت و پوست زحمتکشان فرو می‌کند. به مجلس شورای اسلامی و

نمایندگان جعلی آن نگاه کنید. حتی یک نماینده کارگری در آن نمی‌باشد. در عوض نمایندگان کارگران در زندان‌های جمهوری اسلامی شکنجه می‌شوند. دهقانان تقریباً اینکه اکثریت جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند. نماینده‌های ندارند. چهار نفر از آنان (توساج مخنوع، جرجانی و واحدی) درست قبل از انتخابات در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند. سربازان نیز فاقد نماینده هستند. امضا زتوال‌های کودتاگر ارتش نماینده دارند. خلق‌های ستمدیده از جمله خلق کرد نیز برای نمونه یک نماینده در مجلس ندارند. نمایندگان را نه تنها به مجلس راه نمی‌دهند بلکه تودمعی که آنان را انتخاب کرده‌اند با بوب و راکت و محاصره اقتصادی می‌کوبند. زبان نماینده‌های ندارند تا از مخالفتشان دفاع کنند. در عوض کسانی هستند که حرمسرا دارند و تا یک دوره تسبیح صیغه می‌کنند. و همینها که شده‌اند اعلانه دارند زن را تبه پسلی به کلاهی خصوصی و جنسی بکنند. علیه فساد فخر نغمه سرایی می‌کنند.

نمایندگان توده‌های ستمدیده و زحمتکشان در مجلس نیستند اما در عوض عدلی‌های مجلس همه از روحانیست انباشته شده است که نه تنها در زحمتکشان را نمی‌دانند و مدافع منافع آنان نیستند بلکه چنانکه تاکنون نشان داده‌اند. دشمن سرسخت آنان نیز هستند. این حضرات در دشنی با آرمان‌های زحمتکشان و محرومان جامعه تاریخ درازی از خیانت به توده‌ها را در پشت سر خود دارند. دشنی با انقلاب مشروطه و علم‌گردن مشروطیت. به رهبری شیخ فضل الله نوری در مخالفت با مشروطیت ستارها و پاترها. همدستی آنان به رهبری آیت‌الله کاشانی با سبب زاهدی نوکر سیا و امپریالیزم در برانداختن حکومت عدلی. و این بار با تدوین قانون اساسی ارتجاعی و کشتار

زحمتکشان به براندختن خود ادامه می‌دهند. نمایندگان این مجلس کسانی هستند که از قبل زحمتکشان نان می‌خورند و همواره باری بر دوش برامه بود مانده. می‌خواهند بر دوش آنان سوار شوند. نمایندگان منافق سربازدارها، زمینداران، بورس بازاریان، ۷۷۷ رشوه‌خوار، جنگین و تجار بزرگ در این مجلس جمع شده‌اند.

به مجلس نگاه کنید. تبه پسلی به مرکز نقیض تقابله شده است. نمایندگانش را افراد توطئه‌گر بیهوشی آید. روسای دستهای ارباب و جماعت را به رهبری نظاری استعمار حزب جمهوری اسلامی، چنانکه کاروانی چون خلخال، کلاهدار، ارباب رنگریزی چون هاشمی رفسنجانی و چمران و طراحان بازاری استعمار و هرج و مرج سربازداری به رهبری روزنامه‌نگار انقلاب اسلامی تشکیل می‌دهند. مجلس چنانکه با خاطریت نمایندگان مشغول تشکیل نمی‌شود. مجلس گسه تق تق‌های مخالف را حتی با چساق سرکوب می‌کند و نمایندگان انحراف کرد مانده که امنیت جانی ندارند. مجلس که یک کله در باره راه می‌زود با امپریالیزم. در باره حل مشکل گرانسی. در باره حل ضروری ترین مسائلی زحمتکشان از قبیل مسکن بحیثیت نمی‌کند. اولین قانونی که تصویب می‌کند برلمان امام است. به قیمت زیر پا گذاشتن همان قانون اساسی آنها در باره نام مجلس. اولین قطعنامه‌اش اعلام جنگ آموزشی علیه خلق رزینده و ستمدیده کرد و سرکوب آزادی است. و خلاصه مجلسی که هیچگونه اختیاری از خود ندارد و بسا یک اشاره شورای نگهبان و ولی فقیه می‌تواند برای او باشد. این مجلس مجلس حل مسائلی زحمتکشان و رفع بحران کنونی نیست. بلکه مجلس متخصصان و انگل‌های جامعه است که از این ناسامانی و گرانسی نفع می‌برند. این دنباله در صفحه ۱۴

دعوت به مناظره برای دفاع از آزادی مطبوعات

آزادی بیان و اندیشه و آزادی مطبوعات این دست آورد مهم جنبش انقلابی مردم ستمدیده و زحمتکش مسأ تحت شد بدترین حلات قرار گرفته است. بهرمان رژیم جمهوری اسلامی و شورای انقلاب اسلامی ادعا می‌کنند که مدافع آزادی مطبوعات هستند. اما آقای فدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی با توقیف خود سرانه بیش از ۲۰ نشریه، منجمه چه باید کرد یکی از نشریات

حزب کارگران سوسیالیست، نشان داده است که این ادعا دروغ بزرگی بیش نیست. افراد کینه‌ها مأموریت دارند تا هر کسی را با هر نشانی بر خلاف میل سروداران حکومتی و آقای فدوسی مشاهده کردند دستگیر و بازداشت کنند تا بحال صد ها نفر از نویسندگان نشریات مترقی و انقلابی بدین ترتیب دستگیر شده‌اند و اکنون در زندان بسر می‌برند. اقدامات مذکور راه را برای حلات و اسایش

وحشی و ضرب و شتم و حتی قتل فرستند. دادستان کل انقلاب دعوت می‌کند که با سایر نمایان‌های که نشریاتشان دستخوش این حلات شده است در یک مناظره راه پوینتونی در باره آزادی مطبوعات شرکت کنند. آنها بطور کامل چانه از طریق رادیو و تلویزیون هرگونه نیست و افترا که خواستند به ما و بگس نیروهای مترقی و انقلابی زد مانده. چرا صدا و سیما جمهوری اسلامی به ما فرستد پاسخگوی به این اتهامات را نمی‌دهد؟



"لایحه قانونی" تشکیل شوراها: پونشنی "قانونی" برای تضعیف و انحلال شوراهای کارگری

جامعه مطرح نمودند تا با الهام چشمه انداز انقلابی به آفرینند گانجان مبدل گردند. شوراهای کارخانجات از نظر عینی بر این اصل و قانون استوارند گمگی که ثروت اساسی جامعه را تولید می کند. می تواند و باید مدیریت تولید، اداره اقتصاد و قدرت دولتی را بدست گیرد و این تنها راه رهایی بشریت است بدون شک جامعه ما بر سر دوراهی سرنوشت قرار گرفته است. راه پیکه فاجعه، به بازگشت ارتجاع رنجشی و راه به رهایی کارگران و زحمتکشان. نقد سرنوشت انقلاب ایران در گرو آینده همین شوراهای قرار دارد. بدون تردید پایشی اذعان نمود که راه اولی از طریق تضعیف و درهم شکنش شوراهای کارگری میسر است و راه دوم از رویارو نهاد سراسری شوراهای کارگران، سراسازان و زحمتکشان می گذرد.

تجربه زنده ۱۷ ماه پس از قیام بیرونی نشان داده است که هیئات حاکم کنونی که به عنوان انقلاب کارگران و زحمتکشان بقدرت رسیده است سیاست تضعیف و سرکوب شوراهای کارگری را طی نموده و باین ترتیب راه را برای پیوسته فاجعه آمیز ضد انقلاب هموار نموده است کارنامه دولت در این مدت مشخص از اقدامات ضد کارگری بوده است. آتش کشیدن بیرونی تظاهرات کارگران بیگانه اصفهان، غیرقانونی کردن نشانات و مطبوعات کارگری و مصادیق کارگران، اخراج بیش از صد نفر از کارگران مبارز صنایع فولاد اهواز، دستگیری و زندان انگندن کارکنان مبارز صنعت نفت (حیاتی، معیل و خانی)، اخراج و دستگیری اعضای مبارز شوراهای کارگری (گروه ملی صنعتی فولاد ایران، پلا پیکه آبادان، ساکسا و بخش نفت تهران)، سرکوب انتصاب نشسته و اشغال کارخانه تروپانت پاسداران (کارخانه مینو، کارخانه ساکا)، دستبر انداختن شوراهای مبارز کارگران (صنعت نفت، گروه ملی صنعتی فولاد، صنایع فولاد اهواز، ساکسا) سخنرانی ها و تبلیغات سو علیه شوراهای کارگری (سخنرانی اخیر بنی صدر در تروپان)، و ده ها روش و صدها مورد سرکوب دیگر.

اما علی رغم تمامی حملات و اقدامات ضد شورایی و ضد کارگری دولتی، پیدایش شوراهای کارخانجات رو پیکه انقلاب و مبارزات آنان رو به گسترش بوده است. بهمین خاطر حالا که هیات حاکم نتوانسته شوراهای را از طریق فیزیکی از بین ببرد به روش تازه تر و ظریف تری متوسل شده است. این بار دولت "لایحه قانونی" تشکیل شوراهای را علم کرده تا اولاً اکثر شوراهای موجود را که بسا شوراهای پیش پیش شده در این لایحه بگلی مغایرت دارند غیرقانونی اعلام نماید و ثانیاً آنان را از مجرای مبارزه دنیاله در صحنه ۲

کارگران و زحمتکشان یعنی اکثریت عظیم توده های مردم قرار دارند و بهمین لحاظ از خصلت انقلابی برخوردار هستند. شورای انقلاب صلاحیت چنین کاری را هرگز ندارد و نخواهد داشت. تنها مراجع صلاح برای طرح، تدوین و تصویب آیین نامه شوراهای کارگری در واقع کنگرانی ها و کنگره های سراسری نمایندگان شوراهای کارگران می باشند. فقط در مجامع مستقل خود کارگران است که می توان انتظار تدوین و تصویب آیین نامه های انقلابی برای شوراهای واقعی کارگران را داشت. آیین نامه های حقوق اقتصادی و سیاسی کارگران را نباید نهاد و دست آورده های حاصل از مبارزه شان را تحکیم بخشد و برهنه های مبارزات آنان باشد. تنها وظیفه شورای انقلاب، ریاست جمهوری، هیات دولت و وزارت صنایع و معادن وزارت کار و امور اجتماعی در چنین مواردی است که وجود شوراهای منتخب کارگران و دست آورده های مبارزاتی کارگران و خواست ها و مصراحت جلسات، مجامع عمومی، کنگرانی ها و کنگره های کارگران را بدون قید و شرط و فری برسیست بشناسند. در حالیکه هیات حاکم در این مورد حتی با شوراهای کارگران مشورت هم ننموده است. اتحادیه شوراهای انجمن های اسلامی کارکنان صنایع نفت، شوراهای کارگران صنایع فولاد و توده و کانون شوراهای اسلامی کارگران سقندر در پلی تکلیف در جریان تدوین این "لایحه" قرار گرفتند. حتی کانون ها همگی شوراهای اسلامی کارگران مستقیم در خانه کارگر که بیش از صد کارخانه حوالی تهران در آن عضویت دارند و زیر نفوذ حزب جمهوری اسلامی و نتیجتاً تحت کنترل نسبی هیات حاکم قرار دارد. از مداخله در این امر بگلی حذف گردید. فراموش نکنیم که سوسیال کنگره این کانون در واسط تیرماه یعنی دو هفته قبل از اینکه هیات حاکم "لایحه قانونی" تشکیل شوراهای کارکنان را اعلام نماید. در شهر مشهد برگزار گردید. کنگره مزبور همانند دو کنگره قبلی کانون ها همگی شوراها از جلسات سراسری طراحان لایحه مزبور یعنی وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر صنایع و معادن، مدیران کارخانجات، کارشناسان و مستشاران هیات حاکم در مسایل کار و کارگری و شوراهای عالی کار، بگلی بیخبر بودند.

شوال دیگری که مبارزین سراسری آگاه و مبارز مطرح می شود اینست که

تصویب "لایحه قانونی" برای تشکیل شوراهای بجه معنی است! آپیکه شوراهای کارگری که در بیشتر کارخانجات، کارگاه ها و ادارات ایجاد شده اند، تساه به امیوز دارای وضعیت غیرقانونی بوده اند؟ و آیا هدف دولت در این مورد مشروعیت بخشیدن و قانونی نمودن شوراهای موجود است؟ همین واقعیت است که شوراهای قبل از اعلام "لایحه قانونی" دولت، طی ماه ها و هفته های گذشته تشکیل شده بودند. بیرونی نشان می دهد که شوراهای کارگری از قانون بندی متفاوتی بهره می کنند و پیدایش و گسترش آنان بر اساس تصویب نامه های دولتی و حتی فراخوان ها و قطعنامه های احزاب کارگری و غیره کارگری نیست. شوراهای "منشا" وجودی خود را بدون هیچ کس و هیچ مقامی نیستند. "منشا" قانونی آنان، قانونی نیستند. انقلاب عظیم ایران است. شوراهای کارگری موجود محصول اجتناب ناپذیر انقلاب عظیم و قیام پرشکوه ایران هستند و ریشه آنان را پایشی در تظاهرات و راهپیمایی های میلیونی نموده ها. زد و خورد های خیابانی مردم بانیره های ارتش شاه مخلوع، انتصاب های محسنی های کارگران و در قیام بهمن ماه جستجو کرد. نطفه های آنان توسط کمیته های انتصابی پسته شدند که بنظیر هماهنگی انتصابات ضد اشتباه و ضد سلطنت کارگران بوجود آمده اند. آنان در بیشتر فور سربا و سرمایه داران، سرنگونی سلطنت و تصعب و فو پاشی نسبی دستگاه دولت استبدادی و در کارشکی ها و غارتگری ها و اجحافات ضد کارگری سرمایه داران و مدیران منتصب دولتی جمهوری اسلامی بوجود آمده اند. از این لحاظ شوراهای کارگری تشکیل و پیشروی خود را بدون چرخش عظیم تناسب نیروهای طبقاتی بنفع کارگران و زحمتکشان و به ضرر رژیم سلطنتی گذشته و دولتی جمهوری اسلامی کنونی است. لسطاً بیچ های میلیونی نموده ها، انتصابات کارگران و قیام مسلحانه بهمن مراجعی هستند که به شوراهای کارگری مشروعیت و قانونیت بخشیده اند.

در چنین لحظه وزمای از تاریخ ایران، کارگران با ایجاد شوراهای کارخانه و با سعی در استقرار کنترل کارگری بر تولید و دفاع از دست آورده های اقتصادی و سیاسی انقلاب، خود را نه سبترین گردان تولید کنندگان ثروت

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در آخرین لحظات حیات خود "لایحه قانونی" تشکیل شوراهای کارکنان را به تصویب رساند. ساعات کار کارگران را ۲۲ ساعت در هفته تعیین کرد و قانون سهیم کردن کارگران در ۲۰ درصد سود ویژه کارخانجات را ملغی نمود. در همین اثنا وزارت صنایع و معادن و وزارت کار و امور اجتماعی نیز طی اطلاعیه های اعلام کردند که هیچگونه توافق را در زمینه افزایش بیزهای مرخصی سالانه کارگران مورد قبول و تأیید قرار نخواهند داد. داد سزای انقلاب اسلامی خوزستان هم یا صدور فرمانی انحلال شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت اهواز را خواستار شد. جامعه روحانیت مبارز اهواز نیز متعاقباً اقدام داد شورای انقلاب را مورد پشتیبانی فرار داد. تمامی این اقدامات هیات حاکم در اواخر تیر و اوایل مرداد و در فاصله زمانی کمتر از ده روز صورت گرفته اند. در این سده روز هیات حاکم با حملات ضد کارگری خود، اقتدار وسیع تری از کارگران را تکان داد و آنان را نسبت به ماهیت دولت جمهوری اسلامی آگاه تر نموده است. با این حال انگیزه دولت از طرح "لایحه قانونی" تشکیل شوراهای کارکنان بسیاری بعضی از گرایش های سیاسی مدعی دفاع از زحمتکشان روش نیست و بهمین خاطر به غلط لایحه مزبور و اقدام دولت اساساً مشروعی از پایش شده است. بنا بر این نقد و بررسی این لایحه از اهمیت خاصی برخوردار است.

هر کارگر و یا عضو مبارز و آگاه شوراهای کارگری که از تصویب آیین نامه شوراهای توسط شورای انقلاب با خیبر می شود بلا درنگ برایش این سؤال مطرح می گردد که شورای انقلاب که کلیه اعضای پشت سر کارگران و زحمتکشان و از بالا انتصاب شده اند و همگی آنان را خیل افراد سناز و مرفه تشکیل می دهد و تماماً در خدمت اقلیت ناچیزی از جامعه یعنی سرمایه داران و زمین داران آخوند های ارباب پشتر، زمینداران ارتش، دیوانسالاران ادارات و مدیران کارخانجات قرار دارد و بهمین لحاظ آنرا پایشی شورای ضد انقلاب نامید. چگونه بخود اجازه داده است تا مبادرت به تدوین آیین نامه شوراهای کارگری بنماید، شوراهایی که اعضای آن بصورت انتخابی تعیین می شوند. از افراد استثمار شده و مستبد پیکه متشکل شده اند و در خدمت پیشبرد مبارزات رهایی بخش

“لایحه قانونی” تشکیل شوراهای: ○○○○○

طبقاتی به مسیر سازش طبقاتی منحرف نماید. از نظر هیأت حاکم حالا که مآلدهامات شد کارگری آنان به شکل جریان و آشکار نتیجه مطلوب را بیاز نیاورد. است. وقت آن رسیده که حجلات خود را با پوشش قانونی و بر اساس اساسنامه ها، آئین - نامه ها، تصویب نامه ها و لوایح معویه شورای انقلاب و دیگر ارگان های دولتی به پیش ببرد. به عبارت بهتر چسبائی اوپاش و اسلحه پاسدار و بیوزن شکتیب و “اسلام” اثر خود را از دست داد ماند. و به تنهایی کافی نیستند. باید به بیوزن “امامت”، “پرچم”، “قانون” و “لایحه قانونی” را نیز اضافه کرد.

گردن لایحه مزبور سالها انحلال شوراهای کارگری موجود در واحد های تولیدی کوچک و نسبتاً بزرگ بطور ضمنی مطرح شده. در خصوص صنایع بزرگ و گنبدی فرمان انحلال بطور صریح و روشن و تحت ماده شماره ۱۴ لایحه مزبور با همین ترتیب بیان شده است. “تشکیل شوراهای در شرکت های دولتی بزرگ از قبیل شرکت های تابعه وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران و ... بر اساس این قانون، منوط به تصویب هیأت وزیران خواهد بود.” پس معلوم می شود که دستور داد سرای انقلاب اسلامی خوزستان مبنی بر انحلال شوراهای کارگران صنایع نفت بر اساس نسل صریح همین ماده ۱۴ “لایحه قانونی” صورت گرفته است. و این اقدام ضد انقلابی که مورد حمایت جامعه روحانیان، مبارز اهواز و بد بیعت وزارت نفت واقع شده از توجهیات “قانونی” کافی نیز برخوردار بوده است. بهر حال جوهر این لایحه قانونی را فراخوان فوری و همراه با پوشش قانونی برای انحلال شوراهای مبارز کارگری تشکیل می دهد.

در مورد واحد های که هنوز قائمند شوراهای هستند توصیه دولت به کارگران این است که از تشکیل شوراهای تا تعیین مقدمات “قانونی” آن خودداری نمایند. اما سواى ایجاد زمینه “قانونی” برای سرکوب شوراهای از بیرون، هیأت حاکم لازم می داند که شوراهای را از درون نیز ضعیف نماید و آنان را به جسد بی جانی تبدیل گرداند. باین خاطر وظایف و اختیارات شوراهای را به حدی تقلیل داده و نحوه تشکیل آنان را طوری طرح ریزی کرده و چنان ساختار تشکیلاتی پراشان در نظر گرفته است که عملاً آنان را از ابزار مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و دولت حامی سرمایه دار از ارگان کنترل کارگران و سرمایه به ابزار

(ماده ۵، بند “الف”) - پرواضح است که شوراهای چون نمایندگی و رهبری کارگران را به عهده دارند. نمی توانستند وظیفه ای بجز دفاع از خواسته ها و سازماندهی و رهبری مبارزات کارگران را بعهده بگیرند. اگر با اینک شوراهای کارگری با “قوانین تعیین شده” و بد بیعت “تصویب شده” توسط دولت سرمایه داران در تضاد می افتد. مسئولیت آن به گردن قانون گزاران و سرمایه داران دولت سرمایه داری مرتجع است.

★ شورای: ارگان استقرار کنترل

کارگران بر تولید و توزیع

در برابر فرار سرمایه و سرمایه داران از کشور، در برابر خطر تعطیل کارخانجات بخاطر کارشکنی ها و خرابی کارنهای سرمایه داران و دولت حامی آنان، برای جلوگیری از اختلاس های متعدد، بد بیعت و اجعافاتی که آنان علیه کارگران اعمال می کنند، در برابر بی لیاقتی های دولت جمهوری اسلامی در امر راه اندازی جدی کارخانجات و در مقابله با محاصره اقتصادی امپالیست ها که لایم ملی کردن سرمایه های امپالیستی و وابسته به آنان را به پیش از پیش تأکید می کند. کارگران مجبور شده اند تا به تشکیل شوراهای کارخانه کنترل تولید و توزیع را بدست گیرند. - آنچنان که هیچ حرکت کارفرمایان از دید کارگران پنهان نماند و هیچ تصمیم بد بیعت بدون تأیید شوراهای مرحله اجرا در نیاید. کارگران با تشکیل شوراهای خواستار اعمال حق وتو در مورد کلیه تصمیمات بد بیعت در امر تولید و توزیع هستند. - در برابر از هم پاشی نظام پسر هرج و مرج سرمایه داری، نطفه های نظم نیستی در کارخانجات ظاهر شده اند و این یکی از دست آورد های اساسی انقلاب ایران است. “لایحه قانونی” هیئت حاکم این دست آورد اساسی انقلاب و این وظیفه مرکزی شوراهای کارخانجات را با ردیف کردن این عملیات بی محتوا و زیرکانه نمی کند. نظارت بر امور واحد بنظیر آگاهی از امور جاری و انجام صحیح کار و ارائه پیشنهاد های سازنده.

نمونه: نظارت نباید طوری باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد.

(ماده ۵، بند “ج”) - لایحه مزبور اصل کنترل کارگری بر تولید و توزیع را به “آگاهی از امور جاری” تقلیل داده است. در صورتی که هدف از کنترل کارگری کنترل بر سمت تولید، سازماندهی نیروی کار، سفارشات، موجودی مواد

بر واضح است که وقتی دولت، انقلاب کردنستان را به توبه می بندد، طبیعت کارگری و مخالف دولت را غیر قانونی می نماید. مبارزین خلق مسرب را در دادگاه های فریادش انقلاب دسته به جوغه اعدام می سبارد. مجلسی دنباله در صفحه ۱۱

چرا روحانیون به سوسیالیستها حمله می‌کنند؟

حسین البی

واضح است که از عرق چنین نیست بلکه حاصل و نمره کار و کوشش میلیون ها انسان زحمتکش است که شسب و روز در بدترین شرایط غیر انسانی تلاش و کسار می‌کنند - این میلیون ها دلاری را که به ساجد اروپا و آمریکا فرستاده می‌شود از است که اینطور صرف تبلیغات روحانیون می‌شود تا مساجد مجلل بسازند و بسا چند چراغ‌ها مزین کنند در حالیکه توده‌های زحمتکش در فقر بسر می‌برند - مثال معروفی می‌گوید: چراغی که بسا خانه رواست به مسجد حرام است - اما روحانیون به جیب خود توجه دارند و نه به فقرا. آنان این پول ها را صرف تبلیغات می‌کنند تا به مردم بیشتر دروغ بگویند و آنها را غیب بدهند و زیر لوای مد هب ثروت بیاندوزند. از زحمتکشان خمس و ذکات و سهم امام و مالیات می‌گیرند. بدون اینکه قدمی در راه بهبود وضع آنان بردارند - دست آخر هم می‌گویند شما که برای تان انقلاب نکرده‌اید مجتبیٰ! فرض کنید که ندانند برای چه چیزی انقلاب کردند - اما مطلقا بسرای این هم تودعه‌ها انقلاب نکردند شما جیب‌های شما از پول انباشته شود! دهقانان ستمدیده انقلاب نکردند تا باز شما بر موقع خرمینگوی بر سر خرمنها پاشان حاضر شوید و خواستار سهم امام، خمس و ذکات و هزار و یک جور مالیات دیگری بشوید - کارگران انقلاب نکردند تا باز شما به گدس سرمایه‌داران به آسان دروغ بگویند و آنها را استثمار کنید و بیگاری بکشید - مسلما برای این انقلاب نکردند تا یک بعدمای بدون کار کردن از قبیل دگرگان نان بخورند و دست آخر نمک نشناسی نیز بکنند و نمکدان را بشکنند و چون شما روحانیون خواهان ادامه فقر و گرسنگی و بدبختی و استثمار توده‌ها هستید و یا همدستی بسا سرمایه‌داران و زمین‌داران - از بیت - المال و عرق چنین زحمتکشان بسرای تبلیغات دروغ استفاده می‌کنید بنا براین سوسیالیست‌ها شما را مانند سرمایه‌داران و زمین‌داران انگل مرتجع می‌دانند - شما می‌خواهید زحمتکشان را در نا- آگاهی و بیسوادگی نگه دارید تا بتوانید با تکیه به مذهب استثمار بسراییداری را حفظ کنید - و بدین جهت است که آزادی احزاب - مطبوعات - بیان عقاید

اما بیاید ببینیم که آیا روحانیست دوست زحمتکشان یا دشمن بیرحمی است که در لباس دوست درآمده است؟ - مارکسیست‌های انقلابی - قیام از مبارزه روحانیون در مقابل رژیم شاه دفاع می‌کردند - چونکه روحانیون خود را مدافع آزادی - جمهوری - مجلس - موبسان و خلاصه مدافع منافع زحمتکشان قلمداد می‌نمودند - اما اکنون روششان شده است که آنان به توده‌ها دروغ گفتند معلوم شد که نه تنها مدافع آزادی نیستند بلکه آنها سرکوب نیز می‌کنند - آنها بسا گفته آیت الله هادی غفاری می‌خواهند دیکتاتوری ملایم برقرار کنند - بجای رژیم جمهوری - رژیم ولایت فقیه را برقرار کرده‌اند یعنی بجای حاکمیت توده‌ها - حاکمیت یک نفر را مستقر نموده‌اند - آنها قبول تشکیل مجلس موبسان دیکراتیک و انقلابی را دادند - اما مجلس جعلی خبرگان را از خودشان درست کردند - آنها بدنه سکن دادند اما بی‌خانمانی برای توده‌ها آوردند - بنیاد مستضعفین تپه بل به بنیاد مستکین شد - آنها بسا توده‌ها بدنه دادند که رفاه و خوشبختی می‌آوریم اما گرانی و فقر برای توده‌ها آوردند - لذا مارکسیست‌ها می‌گویند چون روحانیون به توده‌ها دروغ گفته‌اند و زحمتکشان را عمیر به حساب آورده‌اند و سعی نموده‌اند آنها را غیب بدهند پس ارتجاعی و ضد انقلابی‌اند - روحانیون حاکم توده‌ها را استثمار می‌کنند و از آنان بیگاری می‌کنند - آنها نمی‌خواهند وضع فلاکت‌بار توده‌های زحمتکش بهبود یابد و در رفاه و خوشبختی زندگی کنند - روحانیون می‌خواهند که وضع توده‌ها به همین وضع باقی بماند تا خودشان هر چه بیشتر ثروتمند بشوند - آنها به زحمتکشان می‌گویند که شما بسرای نان انقلاب نکرده‌اید - و بدین ترتیب می‌گویند که از ما روحانیون انتظار نداشته باشد وضع شما را بهبود بخشیم - یعنی همان وضع که سابق بود الان هم ادامه دارد - البته هستند روحانیونی که ظاهر به زندگی ساده و بدون جیب‌ها و جلال می‌کنند - اما آنها با پیوستن چنین وانمود کنند تا اکثر زحمتکشان بتوانند به چپاول بپردازند - اما روحانیون بی‌ثروت خود را از کجا بدون هیچ کوششی و تلاش بدست آورده‌اند؟ آنان نه کار می‌کنند و نه بگریه و آنها را استثمار می‌کنند پس از کجا این پول‌های هنگفت را بدست آورده‌اند؟

می‌بزنند و تولید می‌کنند پس با پیوستن شمره کارشان به خودشان برسد - سه به مشت ثروتمند مفتخور مارکسیست‌ها می‌خواهند جامعه بی طبقه را برقرار کنند که از ظلم و استثمار انسان از انسان خبری نباشد - افراد ثروتمند که زندگی را به بظالت می‌گذرانند و از نجس و لذات بهرمنند می‌شوند و اکثریت جامعه توده‌های مردمی که در فقر و فلاکت روزگار می‌گذرانند وجود نداشته باشد - مارکسیست‌های انقلابی خواستار آزادی هستند - آنها می‌گویند تا کارگران و زحمتکشان را آموزش بدهند تا بتوانند در کارخانه‌ها و مزارع مشکل بشوند و قدرت دولتی را دست بگیرند و بسر سربوشت خود حاکم بشوند و جامعه‌های بسازند که در آن از ظلم و فقر اثری نباشد - جامعه سوسیالیستی را بسازند - مارکسیست‌ها معتقدند برای اینکه ظلم و فقر از میان برداشته شود و جامعه سوسیالیستی بنا گردد - باید منابع ثروت یعنی زمین و وسایل تولید و ابزارکار به مالکیت جمعی کارگران و زحمتکشان در بیاید - آنگاه آنان - بر حسب نیازهای خود - کارهای ضروری را تولید خواهند کرد و از نعمات آن بهرمنند می‌شوند - بنا بر این مارکسیست‌ها معتقدند برای اینکه به جامعه بی طبقه برسیم اول باید طبقه کارگر و زحمتکشان در شورا‌های خود مشکل بشوند و متحد باشند تا ثروتمندان - استثمار کنندگان - مفتخوران را نابود کنند و مستقلا وارد سیاست بشوند - چرا که معتقد بسیم آزادی زحمتکشان از قید اسارت و استثمار فقط توسط خود آنان امکان پذیر است - لذا مارکسیست‌ها مدافع سر سخت منافع زحمتکشان هستند و طبقه دشمنان آنان شده‌اند مبارزه می‌کنند و هر کس را که در زیر لوای دوستی با زحمتکشان بسا آنان دروغ بگوید و بخواهد جلوی سازماندهی - آگاه شدن و مبارزه متحد - شان را بگیرد - افتخار می‌کنند و پسرده دروغ و بیا را از جیبش می‌درینند - مارکسیست‌های انقلابی همواره حقیقت را به توده‌ها می‌گویند - بنا بر این هر کس که بخواهد توده‌های زحمتکش را غیب بدهد - بسا آنها دروغ بگوید و بخواهد جلوی مبارزات آنان را طبقه ظلم و فقر و استثمار بگیرد و آنها را استثمار می‌کند و ضد انقلابی می‌دانیم -

این روزها حلات هیت حاکم مخصوص روحانیت حاکم - طبقه مارکسیست‌های انقلابی شد - بیسابقه یافته است - چنانکه همه می‌دانند این حلات چیز جدیدی نیستند - همیشه سرمایه‌داران - زمین‌داران و روحانیون طبقه مارکسیست‌ها تبلیغ می‌کردند - شاهد بودیم که چگونه رژیم شاه با تمام توان و دستگاهش با مارکسیست‌ها مبارزه می‌کرد - لیکن این روزها دروغ‌ها و تهمت‌های جدیدی به سوسیالیست‌ها می‌زنند - بالای هرمنبر - در مراسم ختم - در مراسم مذهبی در سخنرانی - های رادیو و تلویزیونی - در مطبوعات دست نشانده - این حلات ادامه دارد - روحانیون با تمام وسایل و امکانات دولتی و غیر دولتی می‌کوشند تا مارکسیست‌ها را ریزه تودعه‌ها تحقیر بکنند - روحانیون منبرها و تریبون‌های سخنرانی را به ابزاری بسرای تبلیغات سیاسی طبقه انقلابیون را متشن تبدیل کرده‌اند - در مراسم ختم بجای اینکه در باره مرحوم صحبت بکنند و حاضرین و بازماندگان وی را تسلی دهند - بسا سازمان‌های کارگری - خنق شدند - ترکمن کرد و به مارکسیست‌ها تحقیر و راسزا می‌گویند - در حالی مجلس بجای اینکه به مشکلات زحمتکشان رسیدگسی کند - هر روز قطعه‌های طبقه زحمتکشان - سوسیالیست‌ها و نیروهای مترقی صادر می‌کند - تهمت و افترا علیه سوسیالیست‌ها با شدت ادامه دارد - بگریز می‌گویند اینها آس‌کاپی‌اند - کارمند - منافق‌اند - روز دیگر می‌گویند اینها با شاه و بخیار همکاری می‌کنند و خلاصه هزار و یک جور ناسزا و تهمت از این قبیل - اما بیاید ببینیم که طبقه از چه قرار است - چرا روحانیون با سوسیالیست‌ها اینقدر دشمنی می‌برزند - و ببینیم که سوسیالیست‌ها چه می‌گویند که روحانیت اینطور بر آشفته شده است - البته منظور ما تمام روحانیون نیست - منظور آنها ای است که قدرت را در دست گرفته‌اند و از اعتبار خود در میان مردم جهت استقرار حاکمیت خود سوء استفاده کرده‌اند - مارکسیست‌های انقلابی اقتصاد دارند که باید به استثمار زحمتکشان بدست ثروتمندان پایان داده شود - فقر - بدبختی - ظلم و ستم و بیسوادگی و جهل نابود گردد - آنها معتقدند که این زحمتکشان هستند که کار می‌کنند - عسوق

چرا روحانیون..

و جماعت را سرکوب کرد مایه و بقول خودتان می‌خواهید فاشیت بازی در بیاورید . به همین خاطر دانشگاه را به عنوان کشیدید . زیرا از آگاه شدن توده‌ها می‌ترسید . آقایان روحانیون بی‌جهت نیست که چاقه‌داران را با به سدارس فرستادید تا معلنان را کتک بزنند . زیرا شما از آگاه شدن و با سواد شدن توده‌ها می‌ترسید . زیرا هنگامیکه آگاه بشوند علیه شما خواهند جنگید و قدرت را خودشان بدست خواهند گرفتند و سرمایه‌داری را سرنگون می‌کنند شما جامعای بر پایه برابری اجتماعی و برادری میان انسان‌ها برقرار بکنند . شما که از جهل و فقر مردم استفاده می‌کنید دیگر نخواهید توانست به این زندگی بی‌صحت خود ادامه دهید . چون شما مردم را در جهل نگه‌داشته و علم و دانش را خفه می‌کنید . به این علت سوسیالیست‌ها شما را مرتجع می‌دانند . شما مجازات‌های وحشیانه و ظالمانه قرون وسطایی را برقرار کرده‌اید . شاه جلاد مردم را بطور غیرقانونی در زندان‌ها شکنجه می‌کرد و شما آنانرا بطور قانونی در خیابان‌ها شکنجه می‌کنید . شلاق می‌زنید . زنده بگور کرده و سنگ‌سار می‌کنید . زنان را اعدام می‌کنید . بدون محاکمه اعدام می‌کنید . قتل زنان را نصف عقل مردان می‌دانید و آنان را بعنوان کالای جنسی به حساب می‌آورید . شیوه‌های رشا خانی را استفاده می‌کنید . دادگاههای بدون هیئات منصفه و وکیل مدافع برای شتم تشکیل می‌دهید . به این دلایل سوسیالیستها شما را مرتجع می‌دانند .

شما در سرکوب کارگران رذیلانه‌ترین شیوه‌ها دست زده‌اید . انجمن‌های اسلامی فرمایشی را در مقابل شوراها و اسلامی درست کرده‌اید . شوراها و اسلامی کارخانجات و واحدهای تولیدی را زیر سلطه پاداران مزدور و اوباش و چاقه‌داران ارتش منجیل کرده‌اید . نمایندگان آنان را دستگیر نموده و اعدام کرده‌اید . سعی کرده‌اید تا بهر قیمت در صفوف کارگران نفوذ و جدا این بیادارید تا بتوانید با همدستی سرمایه‌داران ، زمینداران محکومین تاجرن حکومت کنید . سیاست شما نفرت‌پهنا از و حکومت کن برداست . با ترحم به اسلام می‌خواهید کارگزاران مسلمان را از زرتشتی و مسیحی و دیگر مذاهب جدا کنید . در حالیکه کارگزاران و زمینداران همه در فقر و استعمار با هم شکنند . شما از همه آنان چه مسلمان شیعه چه سنی ، چه زرتشتی چه مسیحی یا یهودی بیگاری می‌کنید . با گرفتن خمس و ذکات از کارگران مسلمان حشمتی آنان را بیشتر استعمار می‌کنید و آنان را می‌چابید . علامه شما در استعمار کردن

آنها یا سرمایه‌داران شریکید . شما همراه با بورژوازی مرتجع در همه جا کوشیده‌اید و اکنون نیز می‌کوشید که مشاجرات مذمبی را در میان کارگزاران دامن بزنید تا به این ترتیب توجه توده‌ها را از سبیل اصولی و واقعیتها مهم اقتصادی و سیاسی منحرف سازید . بنا به دلایل فوق شما بر ائس مناقصه واقعی هستید . روحانیون حاکم مناقصه بنا بر این سوسیالیست‌ها ، شمار مرتجع می‌دانند .

روحانیت از بیت‌العمال مردم از بودجه دولتی که باید صرف آبادانی مملکت و رفاه مردم بشود . از این پولها که چیزی جز دسترخی زمینکنان نیست ، تیلیفات مناقصه باب طبع خود به راه می‌اندازد و دستهای اوباش حزب الهی و چاقه‌دار برای سرکوب زمینکنان اجبر می‌کنند . اسناد و مدارک اینگونه خرج‌ها از بیت‌العمال موجود است . روحانیت و شخصی حزب جمهوری اسلامی و هیات خلگسم از یکطرف از طریق دستبرد به ثروت خود می‌افزایند و از طرف دیگر کارگزاران زمینکنان را سرکوب می‌کنند ، سوسیالیستها را مورد بیگرد قرار می‌دهند و بسدون محاکمه اعدام می‌کنند . با بیب و راکت توده‌ها را بمباران می‌کنند و هزار و یک جور از این اعمال کاملاً ارتجایی و ضد انقلابی .

اما کارگران چه باید بکنند تا جلوی این اعمال ارتجایی را بگیرند و اجازه ندهند تا روحانیت ، صفوف منحوس کارگران و زمینکنان را دقان کند و آنها را به کتک سرمایه‌داران استعمار کننده سوسیالیست‌ها ، مارکسیست‌های انقلابی که خواهان آزادی مذمب هستند ، اعلام می‌کنند که باید مذمب از دولت جدا باشد . اما چرا خواست جدایی مذمب از دولت یک خواست حقانسی انقلابی است ؟ چرا خواست اینکه دولت نباید یک مذمب رسمی داشته باشد . یک خواست حقانی و انقلابی است ؟

همانطور که می‌دانیم ، در ایران مذاهب مختلفی وجود دارد : مسلمان شیعه و سنی ، زرتشتی ، اریتمسی ، یهودی و غیره . حال اگر دولتی بپاید و بگوید من دولت مسلمانان شیعه هستم و روحانیت یک مذمب مشخص ، مثلاً روحانیت شیعه به قدرت برسد ، در انصورت از بیت‌العمال و امکانات دولتی استفاده می‌کند تا مذمب شیعه را تبلیغ کند . در نتیجه دولت که نماینده تمام مردم با مذاهب مختلف ایران باید باشد ، تبدیل می‌شود به دولت یک مذمب خاص

از زرتشتی‌ها سنی‌ها ، ارضی‌ها و یهودی‌ها مالیات می‌گیرد و آخرالامر خرج تبلیغ مذمب خودش می‌کند . بنا بر این موجب نفاق در جامعه می‌شود و همانطور که در بالا مفعلاً نشان دادیم ، یک عمل مناقصه واقعی است . در نتیجه دولت نباید مذمب رسمی داشته باشد . مذمب یک امر خصوصی است و نمی‌تواند با دولت که یک امر عمومی است ادغام بشود . این دو باید از هم جدا باشند . این بدین معنی است که مذاهب همه باید آزادی داشته باشند تا مذمب خود را تبلیغ کنند . ولی نه از پول و دسترخی بقیه مردم بلکه از امکانات طرفداران خودشان . یعنی از بودجه‌ای که افراد آن مذمب برای تبلیغ از میان خودشان جمع می‌کنند استفاده نمایند . دولت نباید مذمبی را بر مذمب دیگر ارجحیت بدهد . بی‌چون جدا بیسی مذمب از دولت مجب می‌شود تا تمام مذاهب در امر تبلیغ آزاد باشند و نفرت در صفوف کارگران و زمینکنان نیافتد . پس این خواست یک خواست حقانسی و انقلابی است .

بنابراین مارکسیست‌های انقلابی یعنی سوسیالیست‌های خواستار تفکیک کامل مذمب از دولت می‌باشند . مارکسیست‌های انقلابی یعنی سوسیالیست‌ها مذمب را در مقابل دولت بعنوان یک امر خصوصی تلقی می‌کنند . آنها خواستار تفکیک کامل مذمب از دولت و مدرسه از مسجد می‌باشند . و اعلام می‌کنند که محافل مذمبی و روحانیون نباید به هیچ وجه با ارتش سپاه پاسداران مزدور و دیگر ارگان‌های قدرت دولتی رابطه‌ای داشته باشند . هر کس باید کاملاً حق داشته باشد که بدخواه خود بهر مذمبی که مایل است ، معتقد بوده و حتی هیچ مذمبی را قبول نداشته باشد . هیچگونه کمک مالی ، دولتی و مسجد و محافل مذمبی نباید صورت بگیرد و هیچ مبلغی نباید از صندوق دولت به مساجد ، کلیساها یا هر ارگان یا محافل مذمبی مختلف پرداخت گردد . این جماعت سازمان‌هایی هستند که از افراد و عم عقیده تشکیل یافته‌اند و باید کاملاً آزاد بوده و کاملاً مستقل از دولت باشند .

کارگران و زمینکنان آگاه باشید که روحانیت با ادغام مذمب در دولت سیاست کاملاً مناقصه و سرکوبگرانه‌ای را دنبال می‌کند . سیاست هایش کاملاً و تماماً در جهت مخالف نافع شماست . روحانیت جامعه را به هرج و مرج اقتصادی

بیشتر سوق می‌دهند زیرا که در این اوضاع بهتر می‌تواند به ثروت اش امانه کند و چک بکشد و آشکارا چپاول بکند و بجای ساختن خانه برای زمینکنان مساجد مجلل بنا بکند . چاکمیت روحانیت همواره در جهت دفاع از سرمایه‌داران و زمینداران مفلحور و انگل است . اینها از گرانی ، بی‌خانمانی و فقر و مسکنت توده‌ها استفاده می‌کنند و جیب‌های خود را از پول پر می‌کنند . می‌خواهند با استفاده از شیوه‌های قرون وسطایی وجدید زمینکنان را سرکوب کنند تا بتوانند همراه با محکومین تجار سرمایه‌داران بیشتر و بیشتر چپاول بکنند . برای این است که در دین طبقه کارگر و زمینکنان نفاق ایجاد می‌کنند . کارگران و زمینکنان فریب تبلیغات عوام‌فشانانه آنان را نخورید متحد شوید و مبارزاتی می‌مان علیه آنان را آغاز کنید . حمله‌های منیرانه آنان را افشا کنید و به بقیه کارگران و زمینکنان توضیح دهید که چرا اینها سنگ مسلمانان را به سینه می‌زنند . ایشان سنگ مسلمانان را در حرف به سینه می‌زنند زیرا در عمل چون نازک‌گران و زمینکنان مسلمان بیشتراند آنان را بسا خمس و ذکات و سهم امام و انواع و اقسام مالیات‌ها سرکشیه کنند . سوسیالیست‌ها مبارزاتی می‌مان را علیه روحانیت منور اعلام می‌کنند . کارگران و زمینکنان نه حکومت روحانیت بلکه این حکومت خود شما و دست‌های توانای شماست که جامعه را از این فلاتک نجات خواهد داد . شما باید از منافع تمام افراد جامعه دفاع کنید و رهبری آنان را بعهده بگیرید و بدین ترتیب سیاحت‌های مناقصه و کفرانه روحانیون را خنثی سازید .

در آخر اعلام می‌کنیم که **سوسیالیست‌ها** ، **آقایان روحانیون** که با **دروغها** و **آمیزش‌های باطنی** ، و **سوسیالیست‌ها** و **مارکسیست‌ها** هستیم که به مستندان و استعمار شوندگان بشارت برابری و برادری می‌دهیم . **کارگران و زمینکنان** از هر سرمایه‌داری که هستید بدانید که اینها افراد ساده‌مائی نیستند که به لباس روحانیت درآمده‌اند بلکه از اربابان بیگاری‌کنی هستند که به جامه روحانی طیس شده‌اند . دفاع از سرمایه‌داران و زمینداران ، طرفداری آشکار از شرایط قرون وسطایی ، اینست ماهیت سیاسی که اکثریت روحانیون عضو مجلس شورای اسلامی و ارگان‌های دولتی اجرا می‌کنند . نباید حتی یک ریال پول به این دشمنان خلق که آگاهی مردم را مخدوش می‌سازند ، و آنها را گشتار می‌کنند داده شود .

حاکمیت روحانیت خیر
حاکمیت مردم آری
www.hks-iran.com

★ **حکومت روحانیت خیر!**
★ **حکومت مردم آری!**

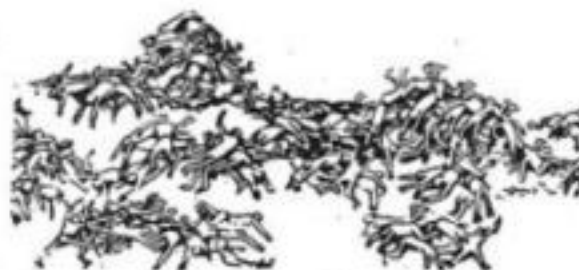
گودتا، ارتش و شوراهای سربازان

پس از کشف کودتای طرفداران بختیار و دستگیری عاملین آن، در اهواز کلبه فرماندهان ارتش کساری گذارده میشود و فرماندهان سپاه پاسداران بجای آنها گمارده میشوند. این یک جریان مسروبی و استثنائی نبود بلکه بخشی از برنامه حزب جمهوری اسلامی از تشکیل می داد. حزب امیرالیز را همه می شناسند ولی آنچه جمهوری اسلامی که در میان فرماندهان ارتش از نفوذ چندانی برخوردار نیست و خیال دارد ارتش ضد انقلاب را منحل نیست که آنها به اندازه کافی اسلامی قصد آنها دارد که کنترل ارتش را در اختیار و ارتش اسلامی جایگزین آن کند. این تصور نیست. از هیات حاکم شدن ارتش را صادر کرده اند. سروداران چیزی جز آلت دست حزب جمهوری اسلامی سپاه پاسداران نیست. در این توان انتظار داشت که سپاه در ارتش عمل کند جایگزینی فرماندهان سپاه که تا دیروز فرماندهان ارتش بودند. این زمین فرماندهان سپاه از آن جای فرماندهان ارتش است. حقیقت سلسله مراتب ارتش تا کتب و نوشته اند و در ماهیت ارتش نخواهد آمد. فرماندهان غیرنظامی ارتش را تکلیف از جلد مشهور جمهوری اسلامی چیست سپاه پاسداران با عضویت بیشتر کسری شوی سربازان قلندار کرده اند. سازمان اسلام خدائی برای تصفیه فرماندهان شوراهای سربازان را سرکوب خواهند کرد. بجای این انقلاب اسلامی با شمار فراوان ارتش دعوت می کنند. برای محکم کساری آنها و حشانه ترکوستان را بسازان فرماندهان ارتش بی طبقه توحیدی یا حفظ گوی می بنام سربازان بیو خط امام ناگهان سبز شده اند که با تکثیر اعلامیه های با شمار "غذائی بنام ترکان" موجود به خود را اعلام کرده اند. در دانشگاهها و در برجسورید ایزاد در اسلام بودن نیست. اشکال با نظاره های بیگانه فراموش نمی کنند. کار در خود سلسله مراتب ارتش از یکطرف جایگزینی فرماندهان سپاه پاسداران و سیاست های فاجعه آمیز هیات حاکم از جای فرماندهان ارتش مانع انجام کودتا طرف دیگر است. وجود سلسله مراتب نیز نخواهند شد. فرماندهان سپاه پاسداران نظام اطاعت گورگوانه در ارتش در صورتی که ضروری تشخیص دهند ارتش را تبدیل به آلت دست فرماندهان در انجام کودتا نیز درنگ نخواهند کرد. می سازد. فرماندهانی که خود دشمنان مخصوصی که ساواکهای سابق و اوساسی و درجه یک زحمتکشان و مدافع منافع سپاه به حیات بدستان و عناصری مانند آنها بخش داری هستند. فرماندهانی که وقتی ضرورت وسیعی از اعضای سپاه پاسداران را تشکیل ایجاد کند می کشند تا تمام قسد رت را در می دهند. فرماندهان شان از خودشان بدست بگیرند و آزادانه همه مدافعین منافع هستند. آنها از امثال ابوشیخ هاشمی زحمتکشان و مخالفین سپاه داران زمین شده اند. در ارتش و سرکوب کنند.

بحران عمومی...

عجز هیات حاکم در معرفی و تشکیل دولت در واقع با نگر قطع شدن کاسل آن در مقابل بحران عمومی است. آن می - برنامگی در آن کاری که سلطنت را تساهل و رنگش می شود داده است. حالا به افق کردن هیات حاکم منجر گشته است. دیگر برداشتن حتی یک قدم هم برای آنها کاری مشکل است. تنها دولتی که قادر به حل قاطعانه مشکلات عمومی جامعه ما و خارج ساختن سلطنت از برقه بحران است حکومت کارگران و دهقانان است. یعنی حکومتی که منتخب زحمتکشان، منگی بر زحمتکشان و مستقیماً تحت کنترل آنها باشد. حکومتی که زحمتکشان و مبارزان زحمتکشان خود آنها بوجود آورده باشند. زحمتکشان ایران نمی توانند که کوچکترین اعتراضی به هیات حاکم عمومی داشته باشند. اینها مشکلات سلطنت و مشکلات زحمتکشان را به سخره گرفته اند. اینها از حل مشکلات قشری خودشان عاجزند چه رسد به مشکلات زحمتکشان. زحمتکشان باید فقط به اراده خود مبارزات خود تکیه کنند. دولت و وادعا انقلابی تنها به دست توانای خود آنان تشکیل خواهد شد. تنها شوراهای سراسری و متحد کارگران و زحمتکشان است که می تواند پایه سلطنت دولت وادعا انقلابی باشد.

ارزش. سپاه پاسداران و دیگرشوی ارتش از ایزار سرکوب کارگران و زحمتکشان کودتا را خشن کند ارتش باید تحت کنترل ایزار حفظ حاکمیت سپاه داران هستند. سربازان باید شوراهای حاکمیت روحانیت نیز وسیلهای در دست خود را بسازند. کارگران و زحمتکشان باید طبقات دارا جهت حفظ منافع طبقاتی آنها از تشکیل شوراهای سربازان حمایت کنند و می باشد. سپاه داران و طبقات دارا هر سربازان را به ساختن شوراهای مستقل زمان که حاکمیت روحانیت را مانع می در برابر خودشان تشویق کنند. سربازان سربازان منافع طبقاتی خود بینند دست به سازمان توده های مردم زحمتکش هستند. سربازان دهی کودتا نیز خواهند زد. سلسله مراتب همان دهقان زادگان و کارگر زادگانی



اعدام تقی شهرام

علی باهنه *

اعدام تقی شهرام نمونه دیگری بود از جنایات های رسوای حاکمین جدید سرمایه دار نمونه دیگری بود قابل مقایسه با اعدام دکتر نریمنیا حاکم شروع دادگاه تقی شهرام بی آنکه او در دادگاه حضور داشته باشد. بی آنکه تقی شهرام پارکبیل او فرصت دفاع داشته باشند حکم اعدام او را صادر کرد.

سپهسالان دادگاه انقلاب و سردمداران حکومتی با محاکمه تقی شهرام قصد آنرا داشتند که حملات خود را به حقوق دموکراتیک جامعه و سازمان های سیاسی مترقی و چپ گسترش دهند. آنها در عین حال میخواستند به محاکمات سیاسی که قیام بهمن ماه آنرا پیوسته ذبانه دان تاریخ فرستاده بود برای پسر دیگر مشروعیت ببخشند.

حاکمین جدید سرمایه دار قصد آنرا داشتند که تقی شهرام را در محرم فریب های خود شریک کنند. آنها برای آنکه تقی شهرام در حملات آنها پیوسته سازمان مجاهدین خلق و سازمان های چپ همکاری کند برای مدتهای طولانی او را تحت فشارهای روانی و شکنجه های مختلف قرار دادند.

هیئت حاکم بک حقیقت را فراموش کرده بود. در هر حال تقی شهرام یکی از مبارزین ضد استبداد رژیم شاه بود. او با مزد و زانی از قبیل تهرانی فسوق داشت و حاضر نبود خود را ملعبه تقی سیاست های حاکمین جدید بنماید. تقی شهرام قربانی مقاومت و سرخشی خود در برابر فشارهای ارتجاعی سردمداران حکومتی شد. او حاضر نشد در تهاوش مسخره "عدل اسلامی" آنها شرکت کند. او حاضر نشد علیه نیروهای چپ و مترقی حتی یک کلمه بر زبان بیاورد.

هیئت حاکم در پیشبرد اهداف عمومفریبانه خود شکست خورد. کسی جز سر سیرندگان رژیم از اعدام جنایتکارانه و غیر قانونی (حتی با قوانین خودشان) تقی شهرام پشتیبانی نکرد. هیئت حاکم بدون آنکه از رسوایی بیشتر خسود در

جامعه هراس داشته باشد دست به اعدام تقی شهرام زد.

رژیم جدید سرمایه داران هر روز بی اعتبارتر می شود. توده های وسیعتری از کارگران و زحمتکشان توهم خود رانسبت به حاکمین جدید سرمایه داران دست میدهند. حکومت جدید سرمایه داران هر چه که با پای های تودمای خود را بیشتر از دست می دهد وحشی تر می شود. آنها برای ادامه حکومت خود به سرکوب بیشتر نیاز پیدا می کنند. هدف هیئت حاکم از اعدام تقی شهرام اجاب جامعه بود.

اعدام تقی شهرام میزان وحشیگری هیئت حاکم را به جامعه نشان داد. آنها به کارگران و زحمتکشان نشان دادند که حاکمین شرع بر زندگی مردم حکومت می کنند نشان دادند که دادگاه های انقلاب قادرند مخالفین سیاسی رژیم را در دادگاه های در بسته و بدون حضور وکیل مدافع و هیئت تصفه به اعدام محکوم کنند. اعدام تقی شهرام برای بار دیگر چهره گریه "عدل اسلامی" را پیوسته کارگران و مبارزین انقلابی نشان داد.

اعدام تقی شهرام باید رنگ خطر را برای نیروهای چپ و جنبش کارگری به صدا درآورده باشد. جنبش کارگری در صورتی که نتواند به موقع صفوف خود را متحد کند باید قربانیان بیشتری به حکومت وحشی سرمایه داران بدهد. تشکیل جبهه واحدی از نیروهای کارگری و انقلابی برای مقابله با تهاجمات گسترده و روز افزون هیئت حاکم به انقلاب شود. های کارگر و زحمتکش ضرورت خود را هر روز بیش از پیش نشان می دهد. بسزای دفاع از منتهین سیاسی. برای دفاع از آزادی احزاب. بسزای دفاع از آزادی مطبوعات. برای دفاع از کردستان عتین. برای دفاع از شوراهای کارگری. برای دفاع از آزادی اندیشه، بیان و تجمع. برای دفاع از حقوق زنان تشکیل شورای متحد نیروهای چپ ضروری است.

اعدام تقی شهرام جنایتی بود که هیئت حاکم مرتکب شد ولی در این میان نباید مسئولیت سازمان بیگمار در راه آزادی طبقه کارگر فراموش شود.

سازمان بیگمار با سیاست های فرصت طلبانه خود به هیئت حاکم امکان آنرا داد که تقی شهرام را قربانی اهداف خود بنماید.

سازمان بیگمار مسئولیت تصفه های استالینستی درون سازمان مجاهدین خلق را منحصر به عهد رهبری بخش منشعب گذاشت. سازمان بیگمار بجای آنکه از اشتباهات گذشته خسود درس بگیرد. بجای آنکه به بررسی علل و ریشه های انحرافاتش که بزرگترین ضربه ها را به جنبش کمونیستی ایران زده است بپردازد. خیلی ساده آنها را پیوسته انحرافات یک پا در نظر آید رهبری خود تقلیل می دهد. با این ترتیب بخیال خود. خود را از شر اشتباهات گذشته راحت می کند ولی در حقیقت به همان شیوه های قفل گذشته ادامه می دهد.

تصفیه های درون سازمان مجاهدین خلق ناشی از انحرافات استالینستی بود که نظرات بخش منشعب از سازمان سایه افکند. بود. در شرایط حفظان رژیم شاه. در شرایطی که برای مبارزین انقلابی امکان دسترسی به مارکسیزم انقلابی وجود نداشت. آنها هم در جامعه ای که تمام سنت های انقلابی حزب کمونیست ایران قطع شده بود و حزب استالینست توده به دروغ مدعی ادامه سنت های بلشویزم انقلابی بود مبارزینی که بدنیال راه حل های ریشه ای تر از راه حل های تخیلی سازمان مجاهدین خلق می گشتند. هیچ بدیلی جز استالینسزم در پیش روی خود نداشتند. جاهلند شهید شریف واقفی قربانی چنین شرایطی شد. او قربانی استالینسزم بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق شد. تقی شهرام نیز قربانی ادامه استالینسزم سازمان بیگمار گشت.

سازمان بیگمار بجای آنکه از شیوه های کثیف استالینستی. از روشهای تصفه، تئوریت، اقترا و غیره ببرد. بسا انتقادی فرصت طلبانه کلیه انحرافات

استالینستی سازمان خود را حسیط نمود. تصفه رهبری سازمان بیگمار که زمینه را برای اقدامات بعدی هیئت حاکم باز نمود نمونه ای از شیوه های استالینستی سازمان بیگمار است.

سازمان بیگمار برای توجیه تصفه رهبری نه تنها مسئولیت تصفه های استالینستی درون سازمان مجاهدین خلق را بر عهد رهبری گذشته خود می گذارد بلکه مدعی آن می شود که رهبری گذشته اش دچار گرایشات شبه تروتسکیستی شده بود و تصفه های استالینستی درون سازمان مجاهدین خلق ناشی از انحرافات شبه تروتسکیستی رهبری بود.

برای اطلاع رفقای سازمان بیگمار ضروری است که توضیح داده شود. تروتسکیست ها اولین گرایش بودند که تصفه های استالینستی درون سازمان مجاهدین خلق را محکم کردند. تروتسکیزم تمام سنت های بلشویزم است. سنت های که کاملاً با شیوه های تحریف، دروغ، تصفه و پشور استالینستی بیگانه هستند. جنبش تروتسکیستی تاکنون بزرگترین مدافع دموکراسی کارگری و سن مارکسیزم انقلابی بوده است. جنبش تروتسکیستی تاکنون بارها بخاطر قاطعیت اصولی خود مورد تصفه های استالینستی قرار گرفته است. تاکنون هزاران انقلابی تروتسکیست توسط ایدای استالینسزم در سراسر جهان شهید شده اند.

سازمان بیگمار بجای بسدن از سیاست های تاجعه امیز استالینسزم به شیوه های استالینستی تهمت و افترا دست می زند. آنها انحرافات استالینستی خودشان را به گرایشات شبه تروتسکیستی رهبری نسبت می دهند. کوشش های آنها جهت بی اعتبار کردن مارکسیزم انقلابی راه بجایی نخواهد برد. ولی استفاده از شیوه های استالینستی تهمت، افترا و تصفه در درون جنبش کارگری نهایتاً به نفع دشمن طبقاتی تمام می شود. همانگونه که تقی شهرام قربانی شیوه های استالینستی سازمان بیگمار شد.

ادامه انتشار عقاید حزب کارگران سوسیالیست بدون کمک مالی مرتسب و همیشگی شما غیر ممکن خواهد بود. شرایط دشوار و غیر دموکراتیک که رژیم جمهوری اسلامی بر نیروپیان آزادانه عقاید مترقی و انقلابی تحمیل کرده است مخارج چاپ و توزیع نشریات را چند برابر می کند. اگر معتقد به ضرورت دفاع از آزادی بیان و اندیشه و خواهران انتشار تمام حقایق هستید، از کمک های مالی به ما در پیغ نوزده!

کمک مالی برای انتشار

نشریات حزب کارگران سوسیالیست

گفتنیات

تمام این توطئه قرار داد.

البته آقای حجازی اولین کاشف این نظریات بدیع و احمقانه نیستند. هینتر بسیار بیشتر از حضرات ایشان به این گفتنیات نائل شده بود. کتاب آقای حجازی نقش پیچید در بیدایش کمونیسم شاهکاری است از ترکیب افکار ارتجاعی فاشیستی و تمعبات و خشک مغزی های مذهبی.

تنها می تواند یک تاجعه باشد! از نظر ایشان پیچیدت که مسلکی مادی است. در پشت ماسک مذهب دنیا را به الحساد و بی دینی و نفی اخلاق و ایمان می کشاند. کمونیزم تنها توطئه پیچیدت برای تضعیف قدرت های مسیحی دنیا و گسترش بی دینی و فساد است. جناب حجازی در ضمن معتقدند که سرمایه داری پیچیدت در مرکز

حمله به شورای نفتگران

حمله به شریان حیاتی انقلاب

احمد کاوین

با حمله به شورای نفتگران - حیات حاکم به شریان حیاتی انقلاب ایران حمله کرده است!

داد شورای انقلاب - اسامی خیزشگران که نزد خلق عرب - نامشروع - نامشروع - جنگ - جنگ - صنایع فولاد - اهواز - نفت - نفت - و حتی شریک های خود را بجان گذاشته - این بار طغیان فاشیست به نام پارتی - صنعت نفت - دستور انحلال شورای انقلاب اسلامی کارگران نفت را صادر کرده است - در این نامه آمده است که شورای معاندان نفتگران اهواز "با اقدامات غیر سرزنش

و بی رویه و دخالت های ناجایا در امور مردم بیشتر از هر زمان در جهت ایجاد رکود و وقفه در کار صنعت و تولید این شریان حیاتی ملت - عمل نموده اند - اخلال از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ - ۵۹ - در همین رابطه امام جمعه و جامعه روحانیان اهواز از ایران پشتیبان خود با اقدام

فد انقلابی داد شورای اسلامی خوزستان در پی توطئه - اولی با صدور فتاوی و دومی با انتشار اعلامیه در مخالفت با جامعه روحانیان اهواز است - آمده است که شورای نفتگران اهواز از موازین شریعت

گرفته است - اولی - خدای تعالی - و علاوه بر همین - عدلی شریعتی - گزارشات متواتره من به دست آمده است - شورای اسلامی تیره و فاضله آن در مسئولیت

ند نه فقط از انقلاب به هیچ وجه در پی مصالح انقلاب اسلامی نبوده است - و از جمله این مشکلاتها از "خالفات" موجود شورای "با همکاری سیره همدستی رژیم سابق و معاصر ضد انقلاب" یاد شده است -

اول اینکه "گرمس از اقتصادی" شورای صنعت نفت به حد آید اول شورای معاند هستند مانند کلبه شیطان - در این جامعه لفظ بعد نشان در پیوسته است و در واقع تصدیق گیری در مورد صلاحیت

یا عدم صلاحیت فرد مورد اعتماد شورای شورای کارگران بخود کارگران متوسط میشود و هیچکس بجز جناح معیوب

و نهاد های منتخب کارگران حاکم است اظهار با تحمل هیچکدام از اعضاء شوروی را ندارد - مقامات دولتی و روحانیان اهواز با مبارزه به نفی شریعت "گرمس از اعضاء شورا" علاوه بر حقوق دیکرانیست

کلبه شیطان است ایران حمله ور شده اند - دشمنی هیات حاکم با آزادی طبیعت و آزادی وجدان کار خلق ایله اقتصادی انسانها محسوب میشود بیشتر و بیشتر بر ملا میشود - در این حال با قصد و دستور انحلال شورای کارگران - هیات

حاکم سرمایه داری صلاح خلق تزل نسودن اعضاء شورا را از کارگران عقب نموده و آنرا بخود اختصاص داده است - علاوه بر هدف هیات حاکم صرفاً "با همکاری" شورا از "گرمس از اعضاء" آن که "طبق گزارشات دستنویزه جوبن به اید توتلوی" اعلامی تیره اند - نیست بلکه معصوم آنان انحلال کنی شورا بوده است - و سایر این کار هیات حاکم خلق دشمن شورا را از نفتگران اهواز و کلبه کارگران ایران سلب نموده است - اما سخته بهین حساب هم خفته می باشد -

ظاهراً بر اساس "موازین شریعت" قرار نموده است که امراد مومن و غیرمؤمنان قدر روحانیت یا در روح جعل و تحریف شد و کاری داشته باشند - در حالیکه

می نیم امام جمعه و جامعه روحانیان اهواز در پی توطئه از روی سر هم آمده است به عنوانی دارند و اگر به هرگز انبساط روح و با اساس "مخالفت شورای کارگران

ضد انقلاب" را تمام نمی کردند - "مبارز" شورای کارگران صنعت نفت برای با همکاری این صنعت از اقواء ضد انقلابی

انجام نماند گرفته است که حتی یوزنان - های هیات حاکم حاضر شده اند گفته - همی از این موازین را به گونه ای درج

نموده - در این رابطه کافی است که آباءان جمیع الاسلام و آيات معقابیه

یوزنامه انقلاب اسلامی صورت ۹۲ ترمهه و جرح بفرمایند تا قدری با مسایزات

انقلابی شورای کارگران صنعت نفت اهواز آشنا شوند - گزارشگر این یوزنامه

می نیست - "بدرت اتحاد به انجمن های و شورا های اسلامی کارگران صنایع نفت و پتروشیمی به امر با همکاری و افتخاری بیرون عناصر سارتکی فراموشگر و کارگران فاسد و همچنین اقتصاد از مسئولین صنعت نفت - در حوز اختتامی از کارگران این صنعت در دفتر مرکزی شرکت ملی نفت تشکیل شد - اتحادیه

بازه در تهران با ارتقا رتبه مسئولین بکار شده اند اینها همه گواهندند که در صنعت نفت با همکاری شده است - یوزنامه انقلاب اسلامی در اداسه گزارش خود می نویسد - پس از این قطعنامه ای از طرف اتحاد به انجمن های صنایع اشاره به ویژگی های خط انقلاب شده اند از معنی غیر به عنوان بر سر

فعلی نفت و مشاور سابق رئیس سازمان اقتصاد شده - خواهان همکاری کرده اند - بد نیال فرزند قطعنامه در آرزو است

انتشارگانه در باره کارگران صنایع نفت به حاضرین ارائه شد و انتشارگری در شماره سواج وزیر نفت آغاز شد - طفل سندی

که به حاضرین نشان داده شد - محیس فر در سال ۱۳۴۳ مشاور رئیس سازمان در امور ساختمان را بعهده داشت

است و حکم آن با اعضاء صلی اعلیای می باشد - کمتر از دو هفت پس از این

گرد های داد شورای انقلاب اسلامی خوزستان همراه با جامعه روحانیان

اهواز به شورای کارگران صنعت نفت اهواز کمک سبب لغزات شورا های نفتگران ایران را اخلال میکند حمله روس -

شود تا مگر بزرگوارند انقلابی نیست - نه برون منتصف "بشان را از خط" با همکاری توسط کارگران نجات دهند -

مراجع قضایی و روحانی هیات حاکم بنسب با هیئت ارتجاعی خود به دفاع از ضد انقلاب و حمله به گردان اساس کارگران ایران می بردند -

و بی رویه "مبارز" نفتگران قهرمان اعلام میدارند که در برابر محاصره اقتصادی و سیاسی امپریالیسم جهانی و در برابر کارشکنی های سرمایه داران و نیروهای وابسته به رژیم سابق با نس توانیم امور مربوط به صنعت نفت یعنی شریان حیاتی ملتگت را در اختیار مشاورین سابق سوارک و مدبران منصوب شده از جانب اشراف قرار دهیم - ما به چنین مدینه و چنین یوزنان اعضاء نداریم - لذا

تعدادی از طرف ۶۷ هزار نفر و در دفاع از صنایع ملیونیا نفر کارگر و راجتگش ایران خواهان کنترول کارگری بر تولید و توزیع و خواستار با همکاری این صنعت اساس از عوامل ضد کارگر و ضد انقلاب هستیم - ارتجاع حاکم

بجای محاکمه معین فر - بجای برسیست شناختن حقوق دیکرانی کارگران - حق استغراق کنترول کارگری بر همه ییزه و بجای

تایید شورا های کارگری در دفاع از ضد انقلاب با مس خیزد و فریاد سرچیده - "دخالت های ناجایا در امر مردم نیست -

مبارز! آنها میکنند که این چنین طبعه نفتگران قهرمان اعلامیه صادر میکنند - سربرزه - پس از اساسی در بر توتک

کارگران مبارز قهر میکنند - اعلیای مبارز شورای کارگری را دستگیر می کنند و با چرخش قلم خود حکم انحلال شورا های منتخب کارگران را صادر میکنند ؟ مگر

نه اینست که شورا های گویس اساسی ترین دستاورد مجسمه انقلاب ایران را تشکیل می دهند - اعلیای که از زمره تودمای -

ترین اخلالات تاریخ بشری محسوب میشود - اینها کسانی هستند که بدوش مبارزات عظیم و قیام بر شکر کارگران برصحت

گشای به سر بردند رسیده اند تا سرمایه داری ورشکسته ایران را در مقابل انقلاب استعمارندگان و ستمندگان نجات دهند - این ارتجاع سرمایه داری که حمله خود را نتیجه شورای نفتگران یعنی اساسی ترین گردان کارگران ایران نموده است - صلاحیت کلبه انقلاب شناخته است - در مقابل این پرش های هیات حاکم - نفتگران قهرمان با پیشی سرخشانیه مقاومت نمایند -

و ستم آن رسیده است که کلبه کارگران از برادران و خواهران نفتر خود در مقابل هیات حاکم سرمایه داران دفاع نمایند ✽ دست هیات حاکم از نفتگران قهرمان کوتاه!

مروری بر مبارزات کارگران پرسیزیون

جامعه در بحران صفتی فرورفته است. سرمایه‌آزان و دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران سعی می‌کنند با زاین بحران را که سبب اصلی اش نظام سرمایه‌داری است. بردوش کارگران و زحمتکشان بیاندازند. تا سودها پشان دست نخورده باقی بماند. آنها می‌خواهند از طریق حمله به کارگران زیان های خود را جبران بنمایند. شورای انقلاب جمهوری اسلامی رئیس جمهور، وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت صنایع و معادن هر روز قانونی تصویب و فرمان صادر می‌کنند. گسسه محتوای همعاش حمله مستقیم به کارگران است. آئین نامه جدید شوراها را جهت منحل کردن شوراها و واقعی تصویب کرده‌اند. بجای ۲۰ ساعت کار در هفته ۲۲ ساعت وضع نمودند. فرمان انحلال شورای اسلامی کارگران لغت اهواز را صادر کرده‌اند. قانون سپیم کردن کارگران در سود واحد های تولیدی معادل ۲۰ درصد سود لغو شده است. مقر فرمودند که هیچگونه توافقسی در زمینه افزایش یزهای برخی صنایع با کارگران مورد قبول و توافق نخواهد بود و ۱۰۰۰ بوابین همه در حالی هست که گزانی و تورم بیداد می‌کند و کم کارگران در زیر بار مخارج سرسام آورهنزیشه زندگی خرید می‌شود.

حلقه شان گسترش یافت. بعنوان مثال هیئت مدیره دولت عیدی را که در واقع بخش از دستمزده آنان است و بسیاری عوامغیبی به آن نام عیدی داده‌اند. مشروط به تصویب شورای انقلاب و پس از آن رفتن راندمان کار کرده‌اند. بعد از آن وقتی دولت جمهوری اسلامی به بهانه اینکه شرکت سود ندارد است. از پرداخت حقوق کارگران امتناع کرد. شورای مرکزی کارگران شرکت پرسیزیون بعنوان نماینده کارگران برای گرفتن حقوق معوقه کارگران در فرمانداری شهرستان مسجد سلیمان تحمّن کرد. پس از سی و پنج روز که مقامات دولتی به خواست کارگران توجهی نکردند بالاخره هیئت مدیره منتخب دولت برای اخراج کارگران متوسل به حلیه جدید شد. اعلام کردند که هر کس تعهد نامه زیرالضام کند می‌تواند حقوق معوقه خود را دریافت دارد.

پس تعالی اینجانب ۳۰۰ کارگر قسمت ۳۰۰ شرکت پرسیزیون تعهد می‌شوم که پس از دریافت حقوق معوقه خود با حفظ کامل سوابق خدمتی به مرکز گسترش در محصل پرسیزیون مراجعه و با تشکیل گروه های صرانی بقیه پروژه خانه سازی را ادامه و تکمیل نمایم. این برگ به منزله اخراج یا تسویه حساب نمی‌باشد.

در ظاهر قرارداد بسیار غریبی است و کارگران بعد از دریافت حقوق خود دوباره مشغول به کار می‌شوند. ولی بعد از تحقیق کاشف به عمل آمد که مقصود کارفرمایان از تشکیل گروه های صرانی و ادامه پروژه ها این است که کارگران بتوانند خود شرکت تشکیل بدهند و بکار ادامه دهند. و مشخص تر اینکه مطابق تعهد نامه کارگران اعتراف می‌کنند که این بمنزله اخراج نخواهند بود در واقع کارفرمایان می‌خواستند با یک غریب کاری کارگران را. حتی بدون باز خرید سوابق کار. در مقابل پرداخت حقوق معوقه شان. مرخص کنند.

در جواب شورای کارگران شرکت پرسیزیون در اعلامیه ای به تاریخ ۵۹/۲/۳۱ اصال ضد انقلابی فرمانداری و دولت را افتا می‌کند. در این اعلامیه آمده است: ما کارگران شرکت پرسیزیون اکنون مدت ۹۳ روز است که حبسبوری معوقه خود را دریافت نکرده ایم. با تمام مقامات چه حضوری و چه شفاهی تماس حاصل کرده ایم. نمایندگان شورا نیز اکنون مدت ۳۵ روز است که نتوانسته ایم تعصّن اختیار کرده‌اند. و تا اینک لحظه کارگران این شرکت جز دروغ و فریب

چیزی عاید شان نشده و بدنبال هر مصاب و اعتراض کارگران مسئولین فرصت طلبانه اعلام کردند که چند روز دیگر حقوق پرداخت خواهد شد و بقیه خواسته های نان رسیدگی میشود. اما باز هم وعده توخالی.

اعلامیه چنین ادامه میدهد: هم شهبان مبارز شرایط زندگی ما کارگران در این ۹۳ روز به علت نپرداختن حقوق به حالتی بسیار رسیده. هم اکنون بعضی از کارگران از ابتدائی ترین زندگی محروم بوده و حتی نان شب خود را ندارند. کارگری بعلمت نداشتن پسول دروا دربان در خانه در گذشت. علاوه بر این خیال دارند ۱۸۰۰ نفر کارکنان را بیگار و این عمل ضد انسانی خویش را تحت عنوان کسر بودجه و کاهش تولید توجیه کنند.

همان روز تمام کارکنان شرکت به تحمّن نمایندگان خود می‌پیوندند. ساعت چهار صبح ۵۹/۲/۲۱ با سداران وحشیانه به تحمّن کارگران حمله کردند. عدای را مجروح و دستگیر می‌نمایند. فردای آنروز کارگران در شهر دست به راه پیمائی زدند. با برگزاری یک گرد هم آئسی اقدامات ضد انقلابی دولت را افشا میکنند. پاسداران با اسلحه و چماق بیار دیگر به تحمّن حمله کرده و کارگران را از فرمانداری بیرون میکنند. لیکن تلاش آنان برای جلوگیری از تحمّن دوباره کارگران بی نتیجه می‌ماند.

در تاریخ ۵۹/۲/۱۰ اعلامیه ۱۸۰۰ نفر کارکنان شرکت پرسیزیون صوام فریب های مقامات دولتی را افشا می‌کند کارکنان میگویند: ما بخاطر فشار گرسنگی زیر تعهد نامعی را که تهیه شده بود و به ازای آن حقوق کارگران پرداخت میشد را اضا کردیم. ولی باز با این حال نه تنها حقوق سه ماهه را به ما تحویل ندادند بلکه حقوق نمایندگان شورا بنابه دستور هیات مدیره و دادستان فرمانداری پرداخت نکردند. این برای ما غیر قابل پذیرش بوده است. ما کارگران این شرکت حمایت کامل خود را از شورای اسلامی خود اعلام کرده و در ادامه مبارزه خود این شورا را نمایند. قانونی و بحق کارگران این شرکت می‌دانیم. بر همین اساس ضمن تأیید مجدد شورای اسلامی خواسته های قانونی و انسانی و اسلام خود را اعلام می‌کنیم. که عبارتست از:

۱- روشن شدن وضعیت شرکت و ادامه کار شورا و مذاکره در این خصوص. ۲- فعالیت مجدد شورا بعنوان نمایندگان واقعی کارکنان این شرکت و به عنوان بالاترین مقام تصمیم گیری و شرکت در تمام محافل و مجالس رسمی و علمی با هر مقام و مرجع در خصوص شرکت و کارکنان دولت جمهوری اسلامی بر اثر فشار مبارزه بیگوانه کارکنان شرکت پرسیزیون انجام می‌شود حقوق کارگران را ببرد از. لیکن از پرداخت حقوق تعدادی از نمایندگان اجتناب می‌ورزد. کارکنان مبارز بار دیگر به دفاع از نمایندگان شوری خود برخاسته و طی اعلامیه ای به تاریخ ۵۹/۲/۱۱ اعلام می‌کنند که هوشیاری انقلابی به ما حکم می‌کند جهت روشن شدن افکار عمومی، برجسب های ناحسب و بی اساس مسئولین امر را در رابطه با این مساله که انضای شورا ضد انقلابی هستند مورد شناخته و یک بار دیگر حمایت بی دریغ خود را از اعضای شورای اسلامی اعلام می‌دانیم و در این رهگذر برای رسیدن به خواسته ها پان از هیچگونه سختی نمی‌هراسیم.

مبارزه بیگور کارکنان سبب می‌گردد که دولت مجبور به پرداخت حقوق نمایندگان کارگران بشود.

کارکنان مبارز کارخانه پرسیزیون برای رسیدن به دیگر خواسته های خود چند روز دیگر به تحمّن ادامه دادند. بالاخره در تاریخ ۵۹/۲/۱۸ به تحمّن خود خاتمه دادند و اعلام می‌کنند: اگر دولت به خواسته پشان تا پایان ماه رمضان رسیدگی نکند با وضعیت شرکت روشن نگردد. مجدداً به تحمّن خود از آخرین روز مهلت ادامه خواهند داد.

به این ترتیب یک مرحله از مبارزات کارگران شرکت پرسیزیون با اتحاد آهنین شان به پیروزی رسید. لیکن تا رسیدن به خواسته های فوق مبارزه ادامه دارد. کارگران مبارز شرکت پرسیزیون این بار نیز چون گذشته می‌باید بگپارچه و متحد عمل کنند. اتحاد کارگران تحت رهبری شورای منتخب خود اولین شرط پیروزی است.

اما نباید فراموش کنیم که تمام این حملات در سطح سراسری انجام گرفته و سراسری به انقلاب حمله کند. انقلاب نیز سراسری به پیروزی خواهد رسید. باید بطور سراسری علیه حملات ضد انقلاب مبارزه بنماید. آنچه که پیروزی کارگران ایران است باید مجد شوری اسلامی خواسته های قانونی و انسانی و اسلام خود را اعلام می‌کنیم.

۱- پرداخت نوری حقوق کامل ایران است. تنها بدین طریق می‌توان نه تنها علیه حملات دولت به حقوق کارگران بهمن را حفظ نمود و آنها را سفت کرد و

۲- پرداخت پستی حد اقل دستمزد از یک پیروزی به پیروزی دیگری گام برداشت.

۳- مبارزات کارکنان

۴- مبارزات کارکنان

چرا شورای انقلاب سود ویژه را لغو می کند؟

وحید ناصر

کارگران ایران نباید این حملات را بی جواب بگذارند. عکس العمل شدید کارگران به قانون لغو سود ویژه به تقدیمی

می شود. در عین حال شورای کارگری به شدت به این مصوبه اعتراض کرده و تحت فشار کارگران حتی سوسیالیست ها و حزب کمونیستی ایران و کانون همبستگی شوراهای اسلامی نیز در آمده و هر دو به این مصوبه اعتراض کرده اند.

ولی اعتراض کافی نیست کارگران در پیقتن - احزاب می کنند که هیئت پیشتر از سرسراکشور باید این مسئله را در شورای کارگری در مجمع عمومی کارگران به بحث بگذارند. و ماهیت آنرا کاملا برای کارگران شرح کنند. کارگران باید لزوم مقاومت در مقابل حملات بیای دولت سرمایه داران را در نظر بگیرند. این حملات است. کارگران باید از زنجیر طولانی این حملات است. با در نظر گرفتن اوضاع بسیار وخیم اقتصادی ایران. این حملات ادامه نخواهند رفت و بهیچ وجه در مقابل زده کردن کارگران کمر به نجات سرمایه داران بسته است.

به حل بحران اقتصادی نکرده بلکه آنرا بیشتر و بیشتر ورشکسته ساخته است. ورشکستگی که بحران روز بروز عمیق تر شود. اقتصادی را بدنیال دارد. در جنبش شرایطی حفظ منافع سرمایه داران و نجات آنها از ورشکستگی اجباب می کند که با یالی کرده اند.

جرا شورای انقلاب به چنین دستبرد می شمانای به حقوق کارگران. که حتی در زمان شاه نیز سابقه نداشته. دست می زند. علت واضح است. دولت جمهوری اسلامی که نمایند منافع سرمایه داران و زمینداران است. با بی برنامه و نداشتن کاری های سیاسی خود. با سیاست های ضد انقلابی خود مملکت را جوهر ورشکستگی اقتصادی گشاده است. نه تنها گسسی

مبارزه با آثار طاقت و به این ترتیب حکومت اسلامی حمله گسترده دیگری را به حقوق و سطح زندگی کارگران. به نفع سرمایه داران و استثمارگران سازمان داده است. بجای دفاع از حقوق کارگران بخشی از دستمزده ناچیزی را که کارگران در ازا بکسر کار طاقت فرسا دریافت می کنند به جیب سرمایه داران سرازیر می سازد تا آنها را از ورشکستگی نجات دهد.

جرا شورای انقلاب به چنین دستبرد می شمانای به حقوق کارگران. که حتی در زمان شاه نیز سابقه نداشته. دست می زند. علت واضح است. دولت جمهوری اسلامی که نمایند منافع سرمایه داران و زمینداران است. با بی برنامه و نداشتن کاری های سیاسی خود. با سیاست های ضد انقلابی خود مملکت را جوهر ورشکستگی اقتصادی گشاده است. نه تنها گسسی

هفته گذشته با تصویب شورای انقلاب ۲۰ سود کارخانه ها به قانون پرداخت شد. طبق این مصوبه تسرار شده "بجای" سود ویژه در آخر هر سال معادل ۶۰ روز مزه بعنوان عیدی پرداخت شود. اگر در نظر از دستمزده ناچیزی را که کارگران در ازا بکسر کار طاقت فرسا دریافت می کنند به جیب سرمایه داران سرازیر می سازد تا آنها را از ورشکستگی نجات دهد.

سال بجای سود ویژه (که شوراهای کارگری آنرا تقریباً معادل ده هزار تومان برآورد کرده بودند) معادل یک ماه حقوق به کارگران پرداخت می شود. به این ترتیب مصوبه شورای انقلاب هر سال معادل ۶ تا ۹ هزار تومان از حقوق کارگران را (فراموش نکنیم سود ویژه بخشی از حقوق کارگران است) به جیب کارفرمایان سرازیر می کند. و اسم این دزدی بی شرمانه را شورای انقلاب گذاشته

لا یحه قانونی تشکیل شوراهای

خبرگان را بجای مجلس موسسان مکرانیک و انقلابی به مردم تحویل می دهد و بدین ترتیب بجای استقرار اراده کارگران و زحمتکشان. اراده روحانیت و زمینداران و دیوانسالاران سرمایه داری را تثبیت می نماید. در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورا به انواع و اقسام تقلب ها و محدودیت ها متوسل می شود تا جلوی شرکت کاندید های کارگری را بگیرد و وقتی نمایندگان شوراهای کارگری را به جرم دفاع از حقوق و مبارزات کارگران دستگیر و تحویل دادگاه های خلیفانسی و سپاه جال های جمهوری اسلامی می دهد. در چنین شرایطی مبارزات شوراهای کارگری نمی تواند به چهار - د بوری کارخانجات و حول مسایلی اقتصادی و استقرار کنترل کارگری بر تولید محدود گردد. چرا که بیروزی نهایی و قطعی همین مبارزات همنه پندار رخساز از چهار چوب کارخانه یعنی در سطح کل جامعه و در صحنه سیاست امکان پذیر است. در چنین شرایطی شوراهای کارگران حتی بخاطر دفاع از دست آورد های کارگران و دفاع از موجودیت خود بایستی از حقوق مکرانیک کارگران. زنان. طبقات محروم ستم. سرمایه داران. و دهقانان حمایت نمایند. در سر لوجه این وظیفه دفاع از آزادی های سیاسی و مدنی قرار دارد. به این لحاظ شوراهای مجبور هستند کسدر صحنه سیاسی نیز کارگران را بسیج نمایند. برگزاری مجمع عمومی کارگران برای بحث مسائل سیاسی و طرح و اجرای اقدامات صلی برای دفاع از آزادی جامعه وظایف سیاسی شوراهای کارگری محسوب می شوند. "لا یحه قانونی" هیات حاکم این وظیفه مهم شوراهای را یکی از قلم

شوراهای ارگان جبهه واحد

مبارزه برای کسب حقوق اقتصادی. استقرار کنترل کارگری بر تولید و توزیع و لزوم نبرد برای مکرانسی. مسئله اتحاد شوراهای کارخانجات را در سطح شهرها. استان ها و در سراسر کشور مطرح می نمایند. بدون هماهنگی شدن فعالیت شوراهای بدون جمع بندی از تجارب زنده گردان های متفاوت کارگران و بدون سعی در تجمعی در تعمیم و گسترش تجارب پیشرفته مبارزاتی و بالاخره بدون ایجاد اتحاد بین کارگران و سرمایه داران و بیس شپرو روستا کلیه دست آورد های انقلاب در معرض انهدام کامل شد. انقلاب قرار خواهند گرفت. لزوم تمرکز شدن شوراهای در سطح صنایع مشابه بنقد مطرح شده است. لزوم اتحاد آسان در سطح شهرها و در سطح کل کشور از طریق کفرانسی ها. کنگره ها و کانون های متحد سراسری شوراهای کارگران هر چه بیشتر احساس می شود. اصل اتحاد شوراهای نیز بنا به انگیزه شد کارگری دولت از "لا یحه قانونی" حذف شده است.

شوراهای: تجلی اراده کارگران

ونه کارفرمایان لا یحه دولت اصل شوراهای کارگری را یکی نقش کرده و بدنیال ایجاد شوراهای است که در آنها کارفرمایان سرمایه داران و مدبران منصب دولت بتوانند شرکت کنند و در نتیجه شوراهای را از ارگان مبارزاتی کارگران علیه سرمایه داران به ارگان پایش کارگران سرمایه داران تبدیل کرده اند. شوراهای نمی توانند در آن واحد هم از منافع

هیات حاکم علیه کارگران را نشانده است

از نظر هیات حاکم شعار "شهادت و شورا" منسوخ شده و نوبت "شهادت شوراها" فرا رسیده است. شهادت "قانونی" و تحت لوای "لا یحه قانونی" واقعیت اینست که تشکیل شوراهای کارگران در مرحله اصلاح و گسترش پس می برند و در برابر سیاست های فاجعه آمیز سرمایه داران چشماندازهای زحمتکشان را نوید می دهند. کارگران این لا یحه مصوبه شورای انقلاب را مجاله کرده و بدنیال خود شورای انقلاب به قمر تاریخ خواهند فرستاد. وقت آن رسیده که کلیه شوراهای کارگران کشور کنگره سراسری خود را برای بحث و بررسی این "لا یحه قانونی" فرا بخوانند. تنها چنین کنگره است که می تواند آئین نامه های انقلابی برای تحکیم و گسترش شوراهای را ارائه نماید و آن را به مرحله اجرا در آورد. چیزی که کلیه زحمتکشان ایران آگاهانه یا نا آگاهانه منتظر تحقق آند.

دست هیات حاکم از شوراهای کوتاه!

دست وزارت کار از دخالت در انتخابات شوراهای کوتاه!

پیش سوی تشکیل کنگره سراسری شوراهای کارگران برای تدوین و تصویب آئین نامه انقلابی شوراهای!

کارگران دفاع نمایند و هم منافع کارفرمایان باشند

بشهادت تاریخ. منرخ مشترک منافع کارگران و سرمایه داران همواره و همه جا چیزی جز منافع سرمایه داران نبوده است. هیات حاکم ایران از یک طرف با دست وزیر کشور خود حکم نمایندگی مجاهد محمد ریز بهان نمایند. شهر کارگری مسجد سلیمان را مجلس شورای سرمایه داران زارده می کنند و از طرف دیگر با دست ریاست جمهوری و رئیس شورای انقلاب لا یحه ادغام نمایندگان سرمایه داران را در شوراهای کارگری به اشاعه و تصویب می رساند. برای نمایندگان سرمایه داران در شوراهای کارگری جای نیست.

شوراهای: عالی ترین مرجع تصمیم گیری

هیات حاکم شوراهای کارگری را عالی ترین مرجع تصمیم گیری در کارخانجات نمی دانند و در صورت بروز اختلاف بین شورا و مدبریت. مرجع دابری نهایی را در دست هیاتی بنام "هیات نظارت بر امور شوراهای" مسرده است. هیاتی که از دو نماینده کارفرما. یک نماینده وزارت کار (بخوانید نماینده دولتی کارفرما) و دو نماینده شوراهای کارگران (که مدبران نیز در این هم عضو دارند) تشکیل شده است. بنابراین قدرت تصمیم گیری نهایی از شوراهای سلب و به سرمایه داران تفویض شده است. شوراهای برای استقرار حاکمیت نهایی کارگران خلق شده اند. لذا نمی توانستند از خود سلب قدرت نمایند. عالی ترین مرجع در هر کارخانه خود شوراهای جامع می باشند. کارگران بایستی باشد والا غیر شوراهای کارگران می توانند در آن واحد هم از منافع

جهاد سازندگی یا جهاد جاسوسی در کردستان

راد بو و تلویزیون ضد انقلاب ، پاسداران و نیروهای حشم ارتش جهت مطبوعات مزدور رژیم با بیق و کرنا هر روز با دگان استفاده شود . اعلام می کنند ، که گویهای سیاسی منح در کردستان مانع اجرای سازندگی در کردستان و مشخصا مانع نعلایت اعضای سلمان ، متدین و مومن "جهاد سازندگی می شوند .

آها راحت می گویند ؟ غیر ! دروغ انجام وظیفه مترجه سازند زیرا ارتش می گویند ، هر روز تمایلات ارتجایی و ضد انقلابی حضرات سردمدار جمهوری اسلامی بیشتر افشا می شود ، و پرده از روی تبلیغات عوام طلبانه و کویه شان برداشته می شود . این آقایان در مجلس شورای اسلامی ضد انقلابی تصحیح کرده اند که حتی مذاکره با نمایندگان سیاسی جنبش طاووت خلق کرد نباید انجام بگیرد و به این ترتیب خواهان ادامه بیسازار و محاصره شهرها و روستاها شده اند . این قطعنامه سند کپه جنگ افروزی و وحشیگری آقایان است .

در زیر نام عوام طلبانه جهاد سازندگی عوامل مزدور و افراد نا آگاه را اجیر کرده اند تا نقش بازی خیرچینی داد ما هم ، که بعضی از آنها را محصل کردند و نتیجه شبن هم داد .

۱- سعی شود از نیروهای سپاه

۲- با کمک نیروهای زمین قط راها

۳- به نیروهای هوایی انضصاد

۴- افراد ارتش را با تشویق

۵- دروغ انجام وظیفه مترجه سازند زیرا ارتش

۶- تنها راه مشکلات جنگ چریکی

۷- به نیروهای سپاه پاسداران

۸- اسکنانه آشوبهای کردستان

۹- در صورت ادامه جنگ کردستان

۱۰- با کمک نیروهای مردم مشکلات

۱۱- اگر تجهیزات درست نیست اعلام دارند بعدا هم بنویسم .

جهاد سازندگی پانه - سقر - سردشت

حیدر بیگی

دستگاه سرکوب دولت را بازی کنند .

مزدورانی که نه برای جهاد سازندگی کبرای

کشتار اجیر شده اند . این ها عده مابسی

هستند که نقش شاور و جاسوس را در سر -

کوب زحمتکاران خصوصا دهقانان بسازی

می کنند .

نامعای باخضای حیدر بیگی مشمول

جهاد سازندگی پانه - سقر - سردشت

به حجت الاسلام خامنهای صوغالی مرتبه

دولتی و حزب جمهوری اسلامی نوشته شده

است ، که سازمان انقلابی زحمتکاران

کردستان ایران آن را افشا نموده است .

این سند ماهیت عوام فنی های رژیم

جمهوری اسلامی را بر ملا می کند و شامل

پیشنهاداتی در باره "سازندگی" (بخوان

سرکوب) است بقرار زیر :

"- برادرم ! ما تاکنون پیشنهاداتی

این سند آفندر گویا است که احتیاج

به توضیح بیشتر ندارد . " جهاد سازندگی

هدفش ارائه طرح برای محاصره اقتصادی

و بیسازار شهرها و روستاها است و به این

نیت رده ماند که کردستان را با س

نبدیل به اسرائیل دوم نمود .

اما هنگامیکه سازمان انقلابی

زحمتکاران کردستان ایران چند نفر از این

مزدوران را دستگیر می کنند ، ارتش و سپاه

پاسداران و نیروهای سرکوبگر در یک اعلامیه

با غرض الاجلی سه روزه تهدید می نمایند

که اگر تا ۲۲ / ۲ / ۵۹ گروگان

ها بدون تغییر و شرط آزاد نشوند ۲۰ نفر

از زندانیان را محاکمه و اعدام خواهند کرد

و نیز ۵ روستا از روستاهای اطراف پانه را

از طریق هوا بمباران خواهند نمود و در

صورت آزاد نشدن گروگان ها محاصره

اقتصادی شهر را ادامه داده و مانع هر

گونه اقدامات رفاهی خواهند شد .

این اصل ضد انسانی و تکلیف راگانی

ندانسته در صدد برآیندند تا عده ای جانی

و مزدور را به یگان انزاد نمایند تا بعنوان

خانواد معای گروگانها دست به تحصن

بزنند . بشیرمی و وقاحت این حضرات حد و

میزی نمی شناسد .

اما دیگر زحمتکاران به ماهیت

تبلیغات مزدورانه و عوام طلبانه رژیم

جمهوری اسلامی پی برده اند . دیگر حسای

آقایان رنگی ندارد ■

تعریف ارتجاع

به استعمار انسانها می گردد نیز آقای بزدی جریان دوم ذکر می فرمایند بسیار جالب توجه است . منظور آقای بزدی از جریانی که سستی در تثبیت روابط استعماری دارد .

اسلامی است و خواهان لغو استعمار به کسانی که می خواهند مجدداً ایران را وابست عقیده ایشان و همبران ایشان چنانچه به امپریالیسم سازند ، نیست . در این سرمایه دار تسبیح بدست بگیرد ، خمس و صورت خود آقای بزدی نیز جزو این جریان ذکاوت خود را بیورازد . طوفان او رژیم حاکم به حساب می آید . کیست که وابستگی باشد ، و جایین توت یا دو سه آیه از بخشید علاقه آقای بزدی به امپیکارانند ؟

قران توجه کند اشکالی ندارد . کافیست کیست که نفس ایشان در نزد یک کره نمجد که ایشان زیاد تظاهر به توتندی نکنند و ایران به امپیکار ندادند ؟ کیست که نفس اسراف نکند تا از نظر حضرات حاکم کاروری ایشان در مذاکرات مخفی دولت بوقت پسا که همانا استعمار است توجه پذیر گردد .

برونسکی را ندانند ؟ اما بعقیده آقای جریان حاکم در رژیم کمونیستی چینی بزدی اینها معروف آن جریان دوم نیست . جریانی است ، در مقابل خواست صریح بعقیده ایشان کسانی نظیر خود شان و مردم زحمتکش ما که خواهان لغای هرگونه آقایان امپراتنظاها و بدنیها "سعی در استعمار هستند . نیروی حاکم استعمار را در تثبیت روابط استعماری " نمی کنند . پس مالهای از قدیمی پوشانده است . آیا این کیستند آن نیروهای ارتجایی خواهان نیرو ارتجایی نیست ؟ واضح است که اگر " تثبیت روابط استعماری "

بیشتر از گذشته ارتجایی نباشد لا اقل کمتر فداییها و خلاصه کلیه "گروههای متفاوت از آن نیست .

اما به عقیده آقای بزدی ساله صرفاً سراینسنگه ثبوت حاصل از استعمار به جیب خلق اندیشی " در واقع " مترجمی از نوع چه کسی برود . به نظر ایشان خود استعمار دوم بیش نیستند که حاصل کارشان جیسری قریضه نادرست نیست . اگر این ثبوت به جز صاف کردن جاده استعمار نبود نمونست ؟

جیب حاج مهدی عراقی بیورود درست و اولاسی است ولی اگر به جیب رشایسی بود استعمار است و فقط اینکه هر سودی آنها دزد و حیوانگونه . برای آقای بزدی ضد استعماری قدیمی بر نمی دارند بلکه سخت مطرح نیست . یکی دزد سلمان است و آن را تضعیف می کنند .

دیگری دزد غریزه . و به نظر ایشان این ساله اساسی است .

مخلط زبانی و مردان در دنیا می داند بسیار جالب است . بعقیده آقای بزدی همبران رژیم که بجای حل مشکلات مردم محروم و ستمدیده ما به دنبال جسد کردن خانواده معا در کنار ساحل دریا اقدام نموده اند " مسائل فنی و غیر اساسی " را محرومان جامعه را مخلط شنا کردن می دانند حرکت ضد استعماری را تضعیف نمی کنند . اما کسانی که به این گزار اعتراض می کنند ارتجایی هستند !

بعقیده آقای بزدی هدف این نیروها از اعتراض به این کارهای " انقلابی و ضد استعماری " هیات حاکم اینست که روحانیت را تضعیف کنند و در نتیجه راه را برای بازگشت استعمار نراهم سازند . زیرا بعقیده آقای بزدی روحانیت مهمترین عامل تودمای کردن مبارزه بود . مترقی ترین و انقلابی ترین نیروهای اجتماعی را تشکیل می دهد . بنابراین هرگونه اعتراض به روحانیت کاری است ارتجایی !

در درجه اول واضح است که چون روحانیت تود معا را به مبارزه کشیده است چیزی درباره ماهیت روحانیت اشیات نمی شود . ساله ایست که اهداف روحانیت از این مبارزه چه بود . هیتلر و فاشیست های آلمانی نیز " مبتنی بر عامل تودمای کردن " جنبش ارتجایی فاشیستی در آلمان بودند . آیا صرفاً به عقیده آقای بزدی و انقلابی مشکل محرومان جامعه را شنا نکردن می سازد ؟ واضح است که خیر ! با همه

هلکود آنها را بررسی کرد و اهداف آنها را از این بسج شناخت . نتیجه این بسج های فاشیستی درهم گویبده شدن تمام آزادی ها ، از میان رفتن تمام تشکیلات توده های زحمتکش . جنگ های خانمان برآورد از قتل تمام ششمیلیون نفر انسان بی گناه به بهانه " یهودی بودن " بود . هدف روحانیت حاکم از شرکت در مبارزه علیه شاه چه بود ؟ استقرار حاکمیت روحانیت و تثبیت مجدد روابط استبدادی و استعماری تحت لوی اسلام این اهداف ارتجایی هستند و به هیچ وجه به صرف اینکه روحانیت برای رسیدن به آن مبارزه کرده است در ماهیت ارتجایی آن تغییری حاصل نمی شود .

در درجه دوم دقیقاً نیروهایی که در مقابل این جریانات ارتجایی استادگی می کنند و فریب اراجیف کسانی نظیر آقای بزدی را نمی خورند . نیروهای انقلابی جامعه را تشکیل می دهند . آقای بزدی با کوبیدن این نیروهای انقلابی و ارتجایی نامیدن آنها در واقع ماهیت خود را به عنوان یکی از سخنگویان ارتجاع مخفی نگه می دارد .

یکی از اعلام مهم برای شناخت نیروهای ارتجایی نیز دقیقاً همینست . ارتجاع و انقلاب را مخدوش کند تا خود را به عنوان نیروهای انقلابی و نیروهای انقلابی را به عنوان ارتجاع جا بزنند ■

مقدمه

تنظیم از بری یگانه

همه جا صحبت از ارتجاع است . تمام دست آورد های قیام بهمن ماه پس از دیگری دستخوش حملات فرار می گردند . آزادی های دست آمده از جنبش ضد استبدادی سرکوب می شوند . جای طبقات حاکم پیشین را طبقات حاکم جدیدی که به همان اندازه مفتخور و وحش هستند پر می کنند . نیروهای حاکم پسا قیام اسلام هرگونه صدای متربی را در گلو خفه می سازند . سرمایه داران آدمکش مسلمان تمام عیار می شوند . زحمتکشان و ستمدیدگان که به قیمت هزاران هزارگشته قیام کردند کافر قلنداد می گردند . این همه علائم حرکت ارتجاعند . اما با وجود این مرجعین قیام می زنند کدام ارتجاع؟! لایح است که هر چه بیشتر ارتجاع را بشناسیم و به همه مردم ستمدیده و زحمتکش پشنا سانبم از اینرو از این پس در این بخش ما در هر شماره به معرفی نمونه هایی از افراد . سازمان ها و احزاب ارتجاع خواهیم پرداخت .

درباره تعریف ارتجاع

اخیرا (۲۹ صیوما) آقای بزوی . سر و بیرون صا می کپهان بر سقا لای تحت عنوان ارتجاع چیست مرتجع کیست؟ مرقوم فرموده اند که شاید بررسی آن برای خوانندگان این ستون که هدفش همانا شناساندن ارتجاع است . بی فایده نباشد . البته این سرفاله مانند اغلب کارهای آقای بزوی و اشغال ایشان . به خودی خود بی مایه و بی محتوا است . اما از آنجا که ایشان در جمهوری اسلامی آقایان از سرمداران هستند و مشاغل مهمی از قبیل مشاور نزد یک امام است معاون نخست وزیر در طرح های انقلاب . وزیر امور خارجه و مسوول رسیدگی به شکایات مردم داشته اند و اینک نیز با اصطلاح نام برنده مردم تهران در مجلس شده اند . باید سخنانشان جدی گرفته شود و تعریفشان از ارتجاع بررسی گردد . متأسفانه این متکسر در رابطه با اغلب این حضرات وجود دارد . اگر بخاطر نقششان در انقلاب ما مطرح نبودند . جز آنکه بمنزله یک ضحکه تاریخ برخوردار می گردیم . با آنان کار دیگری نداریم . اما باید ببینیم این رهبران خود ساخته " انقلاب اسلامی از انقلاب و ارتجاع چه می فهمند .

آقای بزوی می فرمایند " سده نسیو های ارتجاعی را در سه جریان اجتماعی میتوان تمرکز کرد . و این سه جریان برقرار میزند : ۱ - نخست آن جریانی که خواستار رجعت به روابط استبدادی و حفظ معیارهای یو به زوال آن در جامعه (چون استبداد فردی . استبداد مطلقه . جباریت و ... الخ) باشد . ۲ - دوپان جریانی که سعی در تثبیت روابط استعماری چه در زمینهای اقتصادی و چه در زمینهای فرهنگی داشته شرایط وابستگی جامعه را به نیروهای استعمارگر دامن زند . ۳ - عقابت آن جریانی که خواهان حفظ روابطی است که منجر به استعمار انسانها در طبقات یا قشرها (۲) گوناگون اجتماعی می گردد .

شاید بگوئید این که بدنیت . آقای بزوی تقریبا سهاله را فهمیده است . اما ببینیم آقای بزوی چه نتیجه ای از این تعریف می گیرد . اولاً ایشان درباره گروه اول و سوم هیچ مطلب دیگری نمی گویند و تمام سخنان بعدی در باره گروه دوم است . معلوم نیست نتیجه ای این دو جریان در جامعه ما کدامند . عطف ظاهرا اینستکه آقای بزوی تصور می کند منظور ایشان از جریان اول و سوم بقدری روشن است که نیازی به توضیح بیشتر ندارد و صرفا جریان دوقدرتی باعث گجی شده و در نتیجه باید روشن شود .

در مورد جریان سوم یعنی آن جریانی که " خواهان حفظ روابطی است که منجر دنیاله در صفحه ۱۲

کشفیات تاریخی فخرالدین حجازی!

تاریخی جناب حجازی گذشت و آنرا به بیسوادی حضرتشان نسبت داد . اما شاهکار کشفیات تاریخی ایشان در توضیح است که در مورد غلت های مبارزه طبقاتی می دهند . در نتیجه " سیه - هار توطئه چینی های بهبودیان (بین کارگران و کارفرمایان دشمنی ها و درگیری های شدید پیش آمد و بین طبقات یک ملت اختلاف افتد و بهبودیان از چنین موقعیتی استفاده کنند و کارگران را به شورش و قبول افکار مادی برانگیزند و از طرفی هم بورژواها را به مقاومت و ادانه مبارزه وادارند و تفرقه شدیدی در بین مردم پدید آورند و از این برکنندگی ها و درگیری ها نافع سبادت و سوجویی خود بهره برداری کنند " ص ۲۹ - ۳۰ . البته آقای حجازی نماینده " حزب جمهوری اسلامی (حزب اصلی سرمایه داران) در مجلس شورای اسلامی حق دارند که از تفرقه میان سرمایه داران استعمارگر و کارگران محروم نگران باشند . ایشان حق دارند از سرمایه داران طبقاتی که به چاباول گری سرمایه داران خانه می دهد نگران باشند . ایشان حق دارند مبارزه طبقاتی را اختلافات بهبودی مای میان طبقات یک ملت بدانند . کارگران و زحمتکشان هم حق دارند که ایشان را دشمن طبقاتی خود بدانند . کارگران و زحمتکشان بخوبی دم خسروس دفاع از سرمایه داران را در پیشرفت شعارهای وحدت طلبانه " جناب حجازی می بینند .

اوج ابتذال کشفیات تاریخی حضرت فخرالدین حجازی در ترم مرکزی کتاب ایشان است . مطابق نظریات چلبشان تمام انقلابات معاصر از قیام کریویل در انگلستان . انقلاب فرانسه تا انقلاب اکثر نتیجه " سیه چینی ها و توطئه های بهبودیان است . (البته از نظر ایشان که یک ضد انقلابی تمام عیار هستند . تمام انقلابات خواهان رجعت به روابط استبدادی گذشته فقط فخرالدین حجازی نماینده " اول تهران در مجلس شورای اسلامی . برای کسی ناشناخته نیست . اما کمتر کسی است که با کشفیات تاریخی این حضرت آشنا باشد . آقای فخرالدین حجازی نویسنده " کتابی است به نام " نقش بهبود در پیدایش کمونیزم " البته اگر کسی دیگری جز نماینده " اول تهران در مجلس شورای اسلامی چنین مزخرفاتی را می نوشند می شد به سادگی از کنار آن گذشته و آنرا به خشک مغزی و بیسوادی یک متعصب مذ همی نسبت داد و تنها پسر کافذ و نیروی کاری که حرام شده است تاسف خورد . اما واقعیت امر آن است که جناب حجازی نماینده " حزب جمهوری اسلامی است . نماینده " حزبی است که هم اکنون اکثر مراکز قدرت را به اشغال خود در آورده است . کتاب جناب حجازی از تحریفات تاریخی پوشیده شده است . توضیح تک تک این تحریفات که اغلب از منابع فاشیستی و نفوذا شیشی کشورهای آبتایی به قرض گرفته شده است از حوصله " این مقاله خارج است و تنها ارائه نمونه هایی از تحریفات تاریخی کتاب جناب حجازی کافی است : " کیزنکسی بهبودی بود . . . که در سال ۱۹۱۸ به همراه رفیقش تروتسکی بر حکومت روسیه شورید و قدرت را تسلیم تروتسکی کرد " ص ۵۹ برای اطلاع حضرت حجازی اول کیزنکسی فقط است و کیزنکسی درست است ثانیاً کیزنکسی رفیق تروتسکی نبود بلکه او را به زندان هم انداخت ثالثاً انقلاب اکثر در سال ۱۹۱۷ اتفاق افتاد و نه در سال ۱۹۱۸ رابعاً قیام اکثر ۱۹۱۷ که تروتسکی در رهبری آن قرار داشت دولت دولت کیزنکسی را سرنگون کرد و در این قیام کیزنکسی در جبهه ضد انقلاب قرار داشت و نه در جبهه انقلاب . سادگی می توان از تحریفات

مجلس

مجلس دبل چرکین است بر بدن جامعه انتظار از این مجلس برای اینکه کوچکترین مشکل زحمتکشان را حل کند بیپوده است. این مجلس می‌تواند تا ابد حرف ملت بزند و برای سرکوب زحمتکشان توطئه بکند. لیکن نمی‌تواند یک قدم در جهت رفع بحران جامعه بردارد. کارگران و زحمتکشان نباید هیچگونه امیدی به این مجلس ببندند. در این شرایط بحرانی که نه تنها مشکلات جامعه حل نشده بلکه بسیار مشکلات و ناسامانی‌ها هر چه بیشتر بر روی دوش زحمتکشان سنگینی کرده و کمربان را خرد می‌کند. در این اوضاع که هیأت حاکم با قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی ضد انقلابی‌اش در عمل نشان داده است که نه تنها نمی‌تواند مسایل جامعه را حل کند بلکه آنرا نیز تشدید کرده و زحمتکشان را بیشتر و بیشتر سرکوب نموده است. در این اوضاع فقط کارگران و زحمتکشان هستند که باید مستقلا به میدان بیایند و سرنوشت جامعه را در دست بگیرند. آنان به یک مجلس انقلابی نیاز دارند که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری باشد و هیچ کس و هیچ نیروی را سر بالای سر خود به رسمیت نشمارد؛ نه شورای نگهبان، نه ولی فقیه و نه حکومت از بالا تعیین شده‌ای را. نمایندگان این مجلس از طریق رای آزاد، سراسری، مستقیم، مخفی و همگانی انتخاب می‌شوند. تمام مسایل را بحث کرده و فوراً تصمیم می‌گیرند. مجلسی انقلابی و دموکراتیک که این اختیار را دارد که از کوچکترین مساله تا بزرگترین مساله یعنی تعیین حکومت را تصمیم بگیرد و تصمیماتش باید فوراً اجرا بشود.

کارگران، دهقانان و سربازان نمایندگان خود را از طریق شوراهای سراسری کارخانه‌ها، مزارع و پادگانها

انتخاب می‌کنند و ملیت‌های متحد شده نمایندگان خود را آزاد به چنین مجلسی انتخاب می‌کنند. چنین مجلسی نه جای نقشه‌ها خواهد بود و نه جای اعلام برتری یک مذهب بر مذهب دیگر. نه جای بحث‌های مزخرف‌هایی که ربطی به مشکلات زحمتکشان ندارد خواهد بود و نه مرکز توطئه علیه زحمتکشان و نه ملوک‌مطلق اینها آن فترت بر عکس است. این مجلس دموکراتیک و انقلابی باید فوراً کنترل اقتصاد را به دست اتحاد شوراهای کارگران بسیار و برنامه‌سازی اقتصادی، رفع بحران بیکاری، گزافی، مسکن، مساله ارضی را بحث کند و به اجرا بگذارد. بر سر شیوه‌ها مبارزه ضد امپریالیسم، آزادی ملیت‌های متحد شده، آزادی زبان، خلق پند از امپریالیسم و سلب مالکیت از سرمایه‌داران بزرگ بحث کند و تصمیم بگیرد و خلاصه یک قانون اساسی انقلابی تدوین نماید.

چنین مجلس انقلابی، مجلسی مومنان واقعی خواهد بود. کارگران ایران تنها نیرویی هستند که می‌توانند این جامعه را بسوی رفاه و خوشبختی، بسوی جامعه بی‌طبقه و بدین استعمار، بسوی سوسیالیسم هدایت کنند. تنها کنترل اقتصاد توسط شورای سراسری آنان می‌تواند مساله فقر، گرسنگی، بی‌خانمانی و بیسوادی را حل کند. تنها کارگران می‌توانند مشکلات زحمتکشان را حل کنند. در نتیجه آنها باید با تشکیل شوراهای سراسری خود و اعلام خواست تشکیل مجلس مومنان را در بحران جامعه را به دیگر زحمتکشان نشان دهند. کارگران در این مجلس برای خواست‌های دهقان فقیر، زحمتکشان شهری، ملیت‌های متحد شده، زنان و سربازان و تحصیل‌عظیم نمایندگان آنان مبارزه خواهند کرد و راه رسیدن به خواست‌ها پنهان

را نشان خواهند داد. بنابراین نمایندگان دهقانان، ملیت‌های متحد شده و زحمتکشان از برنامه‌های کارگران دفاع خواهند کرد. زیرا فقط کارگران هستند که چه از لحاظ سازماندهی شوراهای سراسری خود و چه از نظر برنامه و توانایی کنترل اقتصاد جامعه، تنها نیروی رزیننده و قدرتمند و مدافع متحد پادگان جامعه هستند.

نمایندگان سربازان، زمینداران، بورس‌بازان روحانیت، برنامه‌های کارگری و دهقانی مخالفت کرده و در راه اجرای آن گامی شکی خواهند کرد. چه باک! آنها اکثریت مردم متحد شده ایران کارگران را که حامی بر و با قرص آنان هستند به رهبری خود می‌بزنند یا مثنی نماینده سرمایه‌دار و انگل‌های اجتناع‌را که از قتل کارگران و دهقانان زندگی می‌کنند؟ چه کسی غیر از کارگران می‌تواند قدرت آنها را در مشکلات جامعه را بنفع دهقانان، ملیت‌های متحد شده، زنان و سربازان حل کند؟ هیچکس! نمایندگان می‌توانند به توده‌های متحد شده و زحمتکش ندرت، نزدیک به دو سواد از تشکیل این مجلس شورای اسلامی گذشته است اما نمایندگان این مجلس در طی این دو ماه هیچ چیز حتی برای گفتن نیز نداشته‌اند. آنها فقط قادرند برای توده‌ها فقر بیاورند. آنها در میان توده عظیم کارگران و زحمتکشان خواهان مجلس مومنان واقعی رسوا شده و طرد شده‌اند. زیرا مجلس مومنان واقعی حکومت اکثریت را انتخاب خواهد نمود یعنی حکومت کارگران و دهقانان. اما چه کسی تعیین می‌کند که انتخابات این مجلس مومنان بطور دموکراتیک و آزاد برگزار شود و تصمیماتش اجرا گردد؟ شوراهای سراسری کارگران، سربازان و دهقانان، یعنی

قدرت واقعی زحمتکشان، حاکمیت دموکراسی و آزادی، قانون اساسی زحمتکشان و تصویب مجلس مومنان خواهد بود. شوراهای کارگران، سربازان و دهقانان می‌توانند هرگونه مقاومت سراسری سرمایه‌داران و بستگان امپریالیسم، زمینداران و مفسدین و نمایندگان آنها را درهم شکنند. اکنون کارگران باید آسپن‌ها را بالا بزنند و مستقل از مجلس شورای اسلامی، حزب جمهوری اسلامی، حکومت آقای بش‌مد، رخصت‌ه رژیم جمهوری اسلامی و روحانیت حاکم سازمان‌های سراسری خویش را ساخته و متحد شوند. بدینوسیله کلیه زحمتکشان را به دور خود گرد آورند و در زیر پرچم خود که بر آن شعار مجلس مومنان دموکراتیک و انقلابی تشکیل باید کرد نوشته شده، متحد و یکپارچه عمل کنند. نیروهای لاپروا و کلیه زحمتکشان باید به دور این شعار متمرکز گردند. این شعار محور اتحاد تمام زحمتکشان خواهد بود. زنان واحد دردها، رنج‌ها و ناملات و خواست‌های کلیه آنان است. این شعار سیاسی باید همه گیر شود. چرا که این شعار تبلور سیاسی خواست‌های کارگران، دهقانان، ملیت‌های متحد شده، زنان و سربازان است. مجلس مومنان یعنی حاکمیت مردم پس‌زنده، باد مجلس مومنان دموکراتیک و انقلابی که اتحاد سراسری شوراهای کارخانجات، شرکات، دهقانان و سربازان فرا می‌خوانند و آنرا تشکیل می‌دهند.

مجلس شورای اسلامی سرمایه‌داران و زمینداران منحل باید کرد

مجلس مومنان دموکراتیک و انقلابی تشکیل باید کرد

آزادی ملیتهای...

سرمایه‌داران وابسته به آن مالکیت زمین‌های منطقه را به خود اختصاص داده بودند. در زمینه خدمات عمومی نیز وضع به همین صورت است. ایجاد بیمارستان، دانشگاه و راه‌های ارتباطی به دست فراموشی سپرده شده است. سربازان بیسواد و عمومی بالاتر از نقاط فارس نشین است. گسترش شهرها در این مناطق بسیار محدود بوده است. علاوه بر همه اینها سهم توده‌های محروم و فقیر زده ملیت‌های غیر فارس از بودجه عمومی کشور همیشه مقداری بسیار ناچیز بوده است. فرهنگ سنتی ملیت‌های تحت ستم

نه تنها تحقیر می‌شده است بلکه سرکوب شده بد فرهنگ ملی غیر فارس بخش‌های سیاست‌های دولت مرکزی بوده است. پوشیدن لباس محلی اگر جرم محسوب نمی‌شود، حداقل آزار دهنده است. بانگها و موسسات بزرگ مانع ورود اشخاص با لباس محلی خودشان می‌شدند. کارگرانی که لباس محلی خود را می‌پوشیدند استخدام نمی‌شدند. نظم و ستم حکومت مرکزی علیه ملیت‌های غیر فارس مانع رشد فرهنگ ملی آنها شده است.

سیاست رژیم سلطنتی همواره انکار وجود ملیت‌های غیر فارس بوده است. وجود عرب‌ها در خیزستان نمی‌شد. است و به آنها به چشم اعراب‌ها و مردم بیگانه نگاه می‌شد. انواع اشکام

تحقیقات صورت می‌گرفت تا بتوانند ملیت ترک را با تحریک تاریخ نفی کنند. کلیه کوشش‌های تاریخی در این جهت بود که ثابت شود ترک زبان اصلاسی آذربایجانی‌ها نیست بلکه اشغال آذربایجان توسط بیگانگان زبان ترک را بر مردم آذربایجان تحمیل کرده است. بطور خلاصه به ملیت‌های غیر فارس به چشم اعضای درجه دوم جامعه نگاه می‌شد. به چشم کسانی که از حقوق گفتری نسبت به نژاد "آریا و فارس زبان برخوردارند.

تحمیل زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و سراسری هدف نابود کردن زبان ملی سایر ملیت‌ها را دنبال می‌کرد. ملیت‌های غیر فارس قانونی و جرم بود. آموزش

یک زبان بیگانه به جای زبان مادری مانع جدی در راه سواد آموزی ایجاد کرده بود. سد بهرنگی معلم روستاهای آذربایجان بخوبی تاثیر چنین سیاستی را بر ملیت‌های متحد شده در کتاب خودش "کند و کاو در مسایل آموزشی ایران" توضیح داده است. نتیجه عمل آموزش بیگانه زبان بیگانه بیسواد می‌گسترده توده‌های محروم و عقب افتاده ملیت‌های تحت ستم است.

تحمیل مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور جنبه جدی به خودی است که رژیم جدید سرمایه‌داری بر سایر جنبه‌های ستم ملی افزود است.



آزادی ملیتهای ستمدیده

(قسم اول)

علی پاشنده

بهوزی تمام بیمن ماه وازگوسی نظام سلطنت در هم شکستن دستگاه های سرکوب ارتش پلیس ژان اوسری و ساواک و بطور خلاصه منالاشی شدن دولت مرکزی نخله مطفی در جریان مبارزات تودهای محروم و ستمدیده ایران بود دستگاه سرکوب و ستم دولتی مرکزی منالاشی شده بود در جامعهای که سرکوب گلیه حقوقی ملیت های غیر فارس (که اکثریت جامعه را تشکیل میدادند) یکی از بیشترین پایه های حاکمیت طبقات داربود این واقعیت از اهمیت زیادی برخوردار است منالاشی شدن دستگاه ستم دولتی مرکزی چشم انداز مبارزه جهت رهایی از پرغ ستم ملی را برای ملیت های محسوم و ستمدیده ایران گشود

اما در اولین بهار آزادی شهر قهرمان ستمدج به خون گشیده شد پس از آن کردستان صلا در جنگ داخلی دایمی سر برده است پس از کردستان در ترکمن صحرا خوزستان آذربایجان و ۱۰۰۰ یکی پس از دیگری شعله های جنگ داخلی سر بر کشید توده های وسیع مردم در ابتدا از جریان این جنگ ها سر در نمی آوردند بسیاری با ناباوری از خود می پرسیدند چگونه مردمی که دوش به دوش یکدیگر برای سرنگونی رژیم استبداد سلطنت مبارزه می کردند و کشته می دادند همسان مردمی که با مبارزات هر شب سرورده احساس همبستگی می کردند این ستم دست به جنگ داخلی زدند ؟

اما امروزه هر چه که برانظار رژیم جدید سرمایه داران حکومت جمهوری اسلامی بیشتر می گذرد حقایق مبارزات ملیت های ستمدیده بسیاری تودهای وسیعتری روشن می شود هم اکنون ده ها پیشاترتری بر این حقیقت آگاه می شوند که در کردستان نه جنگ شیعه و سنی است و نه جنگ کفر و اسلام دروغ های بیشمارانه سردمداران حکومتی در مورد نوظله های ضد انقلاب در کردستان برای تودهای وسیع تری روشن شده است این امر واقعیت دارد که در کردستان انقلاب و ضد انقلاب رو در روی یکدیگر قرار گرفته اند ولی دولت مرکزی در جبهه ضد انقلاب قرار گرفته است

انقلاب کردستان و مبارزات دیگر ملیت های ایران مبارزه برای رهایی از پرغ ستم ملی است مبارزه برای رهایی از فقر محرومیت و عقب ماندگی ناشی از ستمی است که ستگری دولت مرکزی بر آنها تحمیل کرده است

ریشه های ستم ملی

استقرار رژیم قلدی رضاخان با سرکوب ملیت های غیر فارس همراه بود رضا خان با دستهای آغشته به خون

دولتی نوین دولتی مشترک تاسیس نمود دولتی که با سرکوب جنبش جنگی خیابانی گنجل محمد نفسی خان بیجان و با سرکوب شیخ حرثی و خلق سلاح قشقای ها و بنیادی ها و دیگر مشا بر سطر شد دولت رضا خان در زمان ستم ملی بر ملیت های غیر فارس را آغاز کرد

همه می دانند که کردتای رضا خان به دستور و حمایت امپراتور انگلستان صورت گرفته امپراتور با تکی بر نیرومندترین قشر طبقات دارا که در میان فارس ها بود و از طریق ایجاد دستگاه دولتی مشترکی که بر اساس سرکوب ملیت های غیر فارس استوار بود سلطه خود را در ایران صیقل ساخت ستم ملی نفاذ سلطه طبقاتی امپراتور بر ایران است

استقرار استبداد رضا خان توسط امپراتور و بر اساس منافع امپراتور صورت گرفته است منافع که استعمار دولت قدرتمند مرکزی را ضروری ساخت دولتی که مرزهای آنرا رقابت های امپراتوری تعیین می کرد در زمان امپراتور در زمان جنگ ها و انقلاب ها در تقسیم دنیا و مبارزه برای جدا به تقسیم دنیا میان دولت های امپراتوری است مرز بند بهای کنونی که ملیت های مختلف را میان دولت های مختلف تحت سلطه امپراتور در منطقه تقسیم نموده است حاصل جنگ ها و گشایش های امپراتوری برای تقسیم دنیا میان خودشان است

تقسیم منطقه میان قدرت های امپراتوری وحدت ملی ملیت های مختلف را از میان برداشت مرز بند بهای مصنوعی ملیت های مختلف را میان دولت های ارتجاعی تقسیم کرده است هر بخشی از این ملیت ها نیز تحت ستم تودهای شیوه های سرکوب ملی و استثمار اقتصادی قرار دارند کردها در ایران ترکیه عراق و سوریه سرکوب می شوند بلوچ ها میان ایران و پاکستان و افغانستان تقسیم شده اند

مبارزه برای پایان بخشیدن به ستم ملی بخشی اساسی از مبارزه علیه امپراتور است مبارزه علیه ستم مدسی مبارزه برای روبه کنان باقی ماندن از امپراتور است رژیم جمهوری اسلامی با تمام ادعاهای ضد امپراتوری خود با سرکوب مبارزات خلقی کردن نشان داد که چقدر در مبارزه علیه امپراتور جدی است مبارزه برای رهایی از ستم ملی از مبارزه علیه دولت های ستم و ارتجاعی وابسته به امپراتور جدا نیست ایجاد دولت جدید محروم و ستمی بر امپراتور آغاز دوران سرکوب

ملیت های غیر فارس را رقم زد رضا خان برای سرکوب ملیت های غیر فارس ناسیونالیسم افراطی و خشونت شکن شد افکار نژاد پرستانه و تعصبات فارس گراییه وسیله تحقیر ملیت های غیر فارس شد تبلیغ تعصبات فارس گراییه در حجه ابتدای ساختن فرهنگستان زبان فارسی جهت پان نمودن این زبان از لغات بیگانه کشیده شد استبداد پهلوی مزخرفاتی از قبیل تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی عظمت گذشته امپراتوری ایران تمدن بزرگ نژاد آریا و ۱۰۰۰ را جهت تحقیر تودهای مردم به گسار می بست روحانیت اگر چه از دواپس جگرش رانده شد ولی تشیع ایرانی را بر سر تن عریس مبارزه نژاد برتر آریا علیه عرب های پاره برهنه ابزار برتر جهت تحقیر تودها به حساب می آمد

تحقیر ملیت های غیر فارس در دوران ۵۰ ساله استبداد سلطنتی آگاهانه توسط دستگاه های دولتی دنبال می شد ارائه جود های مبتذل نژاد پرستانه توسط دستگاه های تبلیغاتی تنها گوشه ای از این سیاست بود

دولتی که هم اکنون سردمداران حکومت جمهوری اسلامی به بازسازی آن مشغول هستند دستگاهی است که ۵۰ سال بر شیت های غیر فارس ظلم ستم روا داشته است دولتی است که ملیت های غیر فارس و فرهنگ و سنت های آنها را تحقیر کرده است دولتی است که تعصبات فارس گراییه و نژاد پرستانه یکی از پایه های اساسی آنرا تشکیل می داده است رژیم جمهوری اسلامی دولت طبقاتی و دستگاه ظلم و ستم ملیت های غیر فارس را بازسازی می کند

مبارزات ملیتهای ستمدیده

هرگاه که دستگاه دولت مرکزی ضعیف شده است مبارزه ملیت ها علیه ستم ملی گسترش و عمق بیشتری پیدا کرده است دوران پس از جنگ جهانی دوم یکی از فرصت های بود که به جنبش ملی در کردستان و آذربایجان امکان گسترش داد حکومت خود مختار آذربایجان برای اولین بار در ایران دست به اصلاحات صیقل ارضی زد دهقانان آذربایجان را مسلح کرد حلقه های زبان را به رسمیت شناخت در آذربایجان دانشگاه به زبان ترکی تاسیس نمود و به آموزش تودهای وسیع به زبان مادری خود شان پرداخت

جمهوری مهاباد و آذربایجان به ایجاد دولت جدید محروم و ستمی و سازشکاری حزب توده و آریا پانشر

مگر بود شکست خوردند آذربایجان به دنبال خیانت رهبری جنبش که کاملاً وابسته به مکر بود بدون گشایش مقاومتش در برابر قوای سرکوبگر دولت مرکزی تسلیم شد ارتش دولتی مرکزی دست به قتل عام وحشیانه مردم آذربایجان زد جبهه ملی برای سرکوب جنبش ملی آذربایجان دست زد و حزب توده جمهوری آذربایجان را قربانی منافع بورژوازی تنگ نظران استالینستی نمود جنبش ملی در خارج از مرزهای ایران نیز جریان داشته است در پاکستان بلوچ ها برای حقوق ملیشان در حال مبارزه هستند پس از شکست جمهوری مهاباد کردستان عراق از پای نشست و مبارزه مسلحانه کردان عراق علیه رژیم استبدادی بعث عراق بر کسی پوشیده نیست

ستم ملی چیست ؟

ستم ملی یک جریان تاریخی متوسط به گذشته نیست بلکه حقیقت تلخی است از فقر محرومیت و سرکوب که هنوز ادامه دارد ملیت های تحت ستم باید سهم بیشتری از عقب افتادگی عمومی را تحمل کنند عقب افتادگی که توسط سیاست های دولتی بیشتر و بیشتر تشدید می شده است رشد ناقص نسبی صنعت در ایران تأثیری بر زندگی ملیت های ستمدیده نگذاشته است در سراسر کردستان و بلوچستان حتی یک کارخانه هم پیدا نمی شود مالکیت زمین داران بزرگ اکثر دست نخورده باقی مانده است در مناطق حاصل خیز مانند ترکمن صحرا در بارو دنباله در صفحه ۱۲

چه باید کرد، ابزار مبارزه زحمتکشان است

نشریه چه باید کرد، آزاد باید گردد!



بحران عمومی کشور و مشکل انتخاب نخست وزیر

بالاخره بعد از مدت‌ها کشاکش و جنگ و گریز بین آقای رئیس جمهوری و حزب جمهوری اسلامی مسئله انتخاب نخست وزیر و کابینه نیز مانند بسیاری مسائل دیگر به مجلس شورای ملی (بخشید اسلامی) محول شد و در این مجلس این مسئله نیز مانند بسیاری مسائل دیگر به مباحثه‌ای بدل شد. مباحثه‌ای که بار دیگر نشان می‌دهد چگونه در شرایطی که مملکت در یکسای از صیق‌ترین بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست و پا می‌زند حیات حاکم موجود آن چنان فلج گشته است که از حل ابتدائی ترین مسایل ملکنس عاجز است. حزب قشرون که اکثریت قاطع مجلس را در دست دارد هنوز نتوانسته کاندیدای واحدی معرفی کند و تاکنون لااقل چهار کاندیدای معرفی کرده است. کاندیدای مطلوب ایشان بنظر می‌رسد آقای جلاله بین فارس (اگر چه هندی الاصل) باشند ولی حتی لشری ترین این قشرون نیز معتقد است که اگر چه آقای فارس هم مکنس است. هم انقلابی و هم مبارزه چریک داشته اما نخست وزیر ایشان همراه با مواضع و مشکلاتی است که یک مقدار مشکلات مربوط به خود ایشان است که مسردی سخت گیر و غیر قابل انعطاف است یک مقدار هم مشکلات دیگر است. خود جناب آقای فارس بدوری از آن "بیک مقدار مشکلات که مربوط به خودشان است" وحشت دارند که اعلام کرده چون بیسن ایشان وزیر جمهوری تا نام موجود نیست نمی‌توانند بست نخست وزیر را بده پرسه درباره آن "یک مقدار مشکلات دیگر" هم آقای آیت گفتند. وضع ظوری شده که اگر حضرت امیر علیه السلام به ایران بیاید به او رای می‌دهند سرگزیسد

شناخته ایرانی ندارد. ولی اگر کشور این ذالجرشن با معاویه بیایسد و شناخته ایران داشته باشد به او رای می‌دهند. در واقع آقای آیت که خود را بر و با ترس ترین طرفدار خط امام معرفی می‌کند در مقابل مشکل چنان سیم هایش قاطعی شده که تلویحا می‌گوید امام شرایزه الجوشن را به حضرت امیر ترجیح می‌دهد. آنها هم بخاطر شناخته جناب حجت الاسلام معلانی که این کلمات نصار آقای آیت را افشا فرموده‌اند در این باره گفتند "در مسئله انتخابات هم (مقصود انتخابات مجلس شورای اسلامی است) در انقلاب قاطع اختلافی که داشته‌ام سر آیت بود البته من تهران نبودم با اینکه دیو جامعه روحانیت بودم... و الا امکان نداشت در دور اول اسن اعلام بشود" (۱.۱.۱) بنظر می‌رسد تنها جنبه مثبت بحران سیاسی حیات حاکم این است که حضرات به یک دیگر و در ضمن پته خودشان را خوب روی آب می‌اندازند!

تزلزل آقای رئیس جمهور در این مورد هم مطابق معمول. منحصر به نبرد است. ایشان که ابتدا بنظری حسیظ ظاهر و تشریفات جناب آقا زاده حجت الاسلام احمد آقا را حضور امام پیششهاد کرده بودند. بعد از اتمام تعارفات بالاخره تصمیم گفتند جناب میرسلیم را به حضور مجلس معرفی نمایند. ولی از همان ابتدا گفتند به ایشان اعضاء چندانی ندارند و نسبت به دولت ایشان مسرولیتی نمی‌دهند چون احتمالا دولت ایشان نخواهد توانست در اوضاع بحرانیسی کنونی سلکت را اداره کند. ولی البته ایشان تابع میرلی آن دولت نخواهند شد!! جدا که چنان مجلس را چنین

رئیس جمهوری شاید احساس مسرولیت آقای رئیس جمهور در لحظات خطبر و بحران کنونی واقعا قابل تقدیر است. امر انتخاب نخست وزیر به ایشان واگذار شده ایشان هم بدون رودربا پستی کسی را انتخاب نمی‌کنند که معتقدند نمی‌توانند سلکت را اداره کند (۱.۱) علت این انتخاب عجیب چیست؟ می‌گویند "البته عامل ملاحظه جو موجود (عامل مسرولیت در این انتخاب بوده است) مقصود از جو موجود چیست؟ باز هم می‌گویند "در این جو اول بعضی اشخاص حاضر نمی‌شوند بکار مشغول شوند. به لحاظ اینکه یک دستگاه قوی وجود ندارد که اگر مورد حمله نازیا قرار گرفتند بتواند بگوید آقا چرا حمله میکنی؟ خوب وقتی جو کشور این چنین ناسالم بشود ناچار وقت کشور را باید صرف این کرد که چه کسی مکنس است و چه کسی مکنس نیست. "بعبارت دیگر جو بدوری ناسالم است که افراد سالم را نمی‌توان سرکار گذاشت چون ناسالم‌ها پاچه آنها را می‌گیرند. پس باید کسی را انتخاب کرد که مورد قبول جو ناسالم باشد. حالا اگر این انتخاب کنکی به حل مسایل مملکت نکند از نظر ایشان "مسئله‌ای نخواهد بود" فقط مسرولیتی در قبال آن نخواهند پذیرفت!

آقای میرسلیم بعد از آنکه به مجلس معرفی شدند نه برنامه روشنی برای خارج کردن مملکت از بحران کنونی ارائه دادند و نه کابینه خود را مشخص کردنده فرمودند. آنها بعد از آنکسه مجلس به ایشان رای اعضاء داد معین خواهند کرد. رسیدنی است که اگر این در مطلب نا روشن باشد مجلس به چه چیز ایشان می‌خواهد رای اعضاء بدهد؟ به جمال ایشان؟

در هر صورت مجلس رای اعضاء نداد کاندیدایی که گویا تنها حسن از این بود که مورد قبول همه است مورد قبول هیچکس واقع نشد. ولی گویا بحث حول ایشان در جلسه مجلسی بدوری به جاهای باریک کشیده. از بیرون زدن بحث اصلا پیشنهاد خود را پس گرفتند.

به این ترتیب رئیس جمهور و مجلس دوباره برگشتند سر همان نقطه اول. وجه بدوری حاصلی. چه فرق میکند قدرت دست قشرون است و هر کسی را که انتخاب کند بالاخره همان آخراست. همان گام ولی واقعا قدری در معنای این مملکت تا مل کنیم. مملکت ما هم اکنون در یکی از صیق‌ترین بحران‌های تاریخ خود دست و پا می‌زند. چشم انداز هیچ مرجع، قحطی، بیکاری، وحشی بدتر از آن کشتار و کودتا را در پیش رود ایم مردم ما بیش از همیشه احتیاج به برنامه‌ای روشن و قاطع برای مبارزه موثر با این فجاج است. و احتیاج به رهبری قاطع برای پیش برد این مبارزه دارند. در چنین شرایطی حضرات هیات حاکم حتی از تشکیل دولت عاجزند. حتی از انتخاب نخست وزیر عاجزند. بعضی ارائه برنامه خارج شدن از بحران و مبارزه برای تشکیل دولتی که بتواند این بحران را حل کند. "جو ناسالم" را خباطه تشکیل دولت کرده‌اند. بقل خودشان سر این چانه می‌زنند که مکنس کدام است و قیسره مکنس کدام. این مسئله که دولست قادر به اداره مملکت هست یا نیست از نظرشان "مسئله‌ای نیست" (۱) چون مسرولیت قبول نمی‌کنند!

دنباله در صفحه ۲



**برای آزادی
مطبوعات
مبارزه کنیم!**

آزادی بیان و اندیشه. بویزه آزادی مطبوعات. بکسی از اساس ترین دست آورد های قیام مردم شده‌ده. و زحمتکش ایران علیه ارتجاع و استبداد است. بدون مطبوعات آزاد دفاع از منافع و خواست های زحمتکشان بخش حقایق مبارزات آنان و سازماندهی مبارزه در راه پیشبرد انقلاب ایران غیر ممکن است.

رزم جمهوری اسلامی با جلوگیری از انتشار نشریات مترقی و انقلابی و ضرب و شتم و دستگیری طرفداران آزادی مطبوعات از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع می‌کند. و به حلات ارتجاع بر دست آورد های قیام بیسن ماه باری می‌رساند.

در برابر حلات هیات حاکم به آزادی مطبوعات مقاومت کنیم و به توفیق نشریات مترقی و انقلابی اعتراض کنیم. باید جنبه متحدی از کلبه نیوها و سازمان های مترقی و انقلابی برای اعتراض به این حله ارتجاعی تشکیل گردد و مبارزه‌ای گسترده برای آزادی مطبوعات سازمان یابد.

www.hks-iran.com